

روحیه عالی انقلابی توده مردم - امیدبخش پیروزی مسلم بر امریکا

در جنگ با دشمن تجاوزگری که به پشتیبانی ایالات متحده امریکا و در اجرای بخشی از توطئه های شیطان بزرگ به ایران انقلابی حمله برده است، عامل قاطع توده های مردم است. ما اطمینان راسخ داریم که تجاوز بعثی های عراق در هر شکسته خواهد شد، زیرا



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۴۲
شنبه ۱۳۵۹، ۱۴، ۱۵ ریال

نگاه کنید، اطمینان بخود و ایمان به پیروزی انقلاب در همه جا وجه مشخصه جو حاکم است. دسته دسته مردم برای نام نویسی در بسیج گرد می آیند و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد و آموختن فنون جنگی اعلام می دارند. در بازه صفهای پتیزین و اغذیه زیاد صحبت میشود ولی درباره آنچه که بسیاساسی تر است، کمتر سخنی گفته شده و آن صفهایی است که برای نام نویسی در بسیج و با اسلحه بمقابله دشمن رفتن، تشکیل شده است. در شهرهای خوزستان اینهمه شور و آمادگی به بسیاری از دیدگان اشک شوق آورده است. به همه نقاط کشور نگاه کنید. در همه جا - خشم خروشان علیه تجاوزگری که مجری نقشه بقیه در صفحه ۸

که مردم - در ژرف ترین مفهومی و در گسترده ترین معنای این واژه - با روحیه عالی انقلابی دفاع برخاسته اند، تا عملا ثابت کنند که در برابر اتحاد و هشیاری آنها، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. بشورها و نواحی زیر آتش توپخانه خشم نگاه کنید. اثری از هراس و وحشتی که دشمن در سدد بود با انفجارها و ویرانیها بوجود آورد، دیده نمی شود. برعکس، مردم با شور و هیجان با نظم و آرازش، به آمادگی رزمی مشغولند، در سنگرها مترسند و چون مشت محکمی در برابر «این آلت دست امریکا» قد برافراشته اند. به بشورها و نواحی دیگر واز جمله شهرهایی که هدف بمباران های بعثی های عراق قرار گرفته اند،

رویدادهای چند روزی که از آغاز تجاوز نظامی بعثی های عراق بدستور امپریالیسم امریکا، بر زمین ما گذشته، نشان میدهد مشارکت وسیع، هشیارانه و جانپازانه توده های مردم و دفاع جانانه آنان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عمیقاً ایمان داریم.

نورالدین کیانوری:

فشار دشواری ها بر انقلاب میهن ما هر روز سنگینتر میشود

تشکیل جبهه متحد از همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب یگانه راه رستگاری است

این مقاله در تاریخ ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ برای شماره ۶ مجله «دنیای مدنی» به طول خواهد انجامید. نثار به اهمیت پیش بینی ها و ارزیابی هایی که در این مقاله انجام گرفته است، درج سریعتر آن را در نامه «مردم» ضرور دانستیم.

مردم ایران اقدام خصمانه، تجاوز کارانه و غیر قانونی رژیم بعثی عراق را در لغویک جانبه قرار داد مرزی بشدت محکوم میکنند

مرداد ۵۹، مقامات عراقی بطور یکجانبه مدعی اداره ابرود رود شده اند. طبق تصمیم یکجانبه رژیم بعثی عراق، کشتی هایی که از خلیج فارس وارد این رودخانه مرزی میشوند، از مسب تا اکر تخلیه و بارگیری و حرکت با لکس، باید با پرچم عراق حرکت کنند. امر هدایت کشتی ها نیز در ابرود رود با راهنمایان عراقی خواهد بود. عوارض بندری و رودخانه ای نیز بایستی به مقامات عراقی پرداخت شود و نظایر این اقدامات غیر قانونی.

رژیم تجاوز کار بعثی عراق قرارداد معروف به قرارداد الجزایر، را بطور یکجانبه ملغی اعلام کرده است. این قرارداد در ماه مارس ۱۹۷۵ (۱۳۵۳) بین دولتین ایران و عراق منعقد شد و در آن بهره برداری متساوی الحقوق دو کشور همسایه، ایران و عراق، از ابرود رود (شمال غرب) انعکس دارد. با لغو غیر قانونی و یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵، رژیم بعثی عراق به دستور ابلاغ دستور العمل جدیدی در مورد ابرود رود مبادرت جست. طبق این دستور العمل تغییر قانونی، از عصر روز شنبه ۲۹

باید افکار عمومی جهان را بر ضد رژیم مزدور بعثی عراق تجهیز کرد

لیس، الجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق یمین و سازمان آزادیبخش فلسطین، که خوشبختانه در دوران اخیر گسترش یافته، و اعلام آمادگی این کشورها برای توسعه هر چه بیشتر این روابط همکاریها، در شرایط جنگ تجاوزی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه به جبهه پایداری میتواند مواضع سیاسی خود در منطقه را استحکام بخشد و رژیم تجاوز بعثی عراق را در میان کشورهای مستقل ملی منطقه منفرد و محکوم بشکست سازد. جمهوری اسلامی ایران، که به برکت پیروزی انقلاب شکوهمند

در شرایطی که رژیم مزدور بعثی عراق دامنه خرابکاریها و تجاوزات مسلحانه مرزی خود علیه جمهوری اسلامی ایران ربه یک جنگ تجاوزی بسا ابعاد گسترده علیه میهن ما تبدیل کرده، علاوه بر اقدامات و تدابیر نظامی، که از جانب شورای فرماندهی نیروهای مسلح و دیگر ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی ایران برای دفع این تجاوز انجام میگردد، استفاده از افکار عمومی جهان و امرهای بین المللی به منظور افساء و محکوم ساختن رژیم مزدور بعثی عراق و جلب پشتیبانی آنها از حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از وظایفی است که در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید به آن توجه لازم معطوف گردد.

به شهیدان جنگ با تجاوزگران بعثی عراق شهید

از برای من شهید آن دلاوری است کو برای مقصدی بزرگ جان فدا کند گر برادری و یا که خواهری است: در ره وطن در سبیل رزم عدل و حق از برای خلق. وانکه را که جز غنیمتی، بسود خود، و رقتیل شد، شهید نیست امید نیست ای به مرزهای انقلاب خسته از گلوله عدو کشته در نهایت شباب با غرور و سرکشی چمگلی شهید مردمید: پاسدار! ارتشی!

احسان طبری
۱۳۵۹/۷/۳

حجت الاسلام خامنه ای: آنها (تجاوزگران بعثی) در راه امریکامی جنگند، در راه اسرائیل می جنگند... همه ملت آماده است، منتظریم امام اشاره بکند، همه خواهیم رفت، همه خواهیم جنگید

تا امروز بهمانند، چاره ای ندارند جز آنکه دست احتیاج به سوی ما، دراز کنند و ما آنوقت وارد ایران میشویم همانطور که در زمان شاه ملون وارد ایران شده بودیم. باین تحلیل به سزاغ صدام حسین احق، جاه طلب، مغرور و پدیدت رفتند. جنایتکاران فراری چند ماه است روی او و رژیم پوسیده او کار می کنند. او را وادار کردند و او با این کار فکر و با این نیت که خواهد توانست مقابله کند، چیزی هم به او در این میان خواهد رسید، ثروت مردم عراق را بصورت میکها و تانکها فرستاد به داخل مرزهای ایران.

حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران، در خطبه های نماز جمعه دیروز، به مسئله تجاوز نیروهای بعثی عراق به خاک کشور، پرداخت و در رابطه با آمادگی باش کامل مردم برای سرکوبی این تجاوزگران مطالبی را بیان کرد.

حجت الاسلام خامنه ای در باره هدف تجاوزگران بعثی عراق گفت: «آنها در راه امریکا می جنگند، در راه اسرائیل می جنگند، در راه هواها و هوسها و غرورهای خود می جنگند...» وی افزود: «ای ملت قهرمان و رزمنده ایران، ای بهایا دارندگان نماز، این صحنه جنگ از نظر ما و از نظر دشمن ما دو تحلیل متفاوت دارد. این جنگ را امریکامزودراتش یک جور تحلیل می کنند و ما جور دیگری. امریکا و مزدورانش بعد از اینکه در طول ۱۹ ماه هر چه کردند نتوانستند جمهوری اسلامی را

بازو در آورند، حتی حمله نظامی هم کردند با خود فکر کردند. ایران را به جنگ تحمیلی و ناخوابسته می کشانیم. عراق را تحریک می کنیم که با ایران جنگ را شروع کند و با اینکار چند فایده می بریم: اولاً نیروهای نظامی ایران را تحلیل خواهیم برد، ابزار جنگی آنها را مستهلک خواهیم کرد. ثانیاً مراکز حیاتی و تولیدی و اقتصادی آنها را منهدم خواهیم کرد. پالایشگاه ها را منهدم می کنیم، نفت را از آنها می گیریم، سوخت را می گیریم، راه آهن را و ارتباطات را می گیریم، مخابرات را می گیریم، زنده ترین عناصر رزمنده قهرمان را می گیریم. وقتی میان مردم، نان بوده، برق نبود، رادیو تلویزیون نبود، کشاورزی نبود، آنوقت امور جمهوری اسلامی را متلاشی می کنیم و بعد هر کس رشته وزمام امور حکومت در دستش باشد و حتی اگر زمامداران کنونی هم

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

«سازش دو ابر قدرت» - تبلیغ در خط برژینسکی

سابقه تسلیحاتی زده اند (نتیجه بگیرد که آمریکا سابقه تسلیحاتی را شروع نکرده و تجاوزکار نیست) اما این سابقه تسلیحاتی اقتصاد این کشورها را دچار نابسامانیهای اساسی نموده است. (نتیجه بگیرد که انحصارات اسلحه سازی و مجتمع صنعتی و نظامی آمریکا، که دولت آمریکا را در دست دارند، از سابقه تسلیحاتی سود نمی برند و صلح خواه و آرامش طلبند) ... لذا هر طرف مدعی شدند که مصالح صلح و آرامش جهانی است که برای محدودیت تولید سلاحهای استراتژیک به مذاکره بنشینند... و اساسی ترین قسمت مذاکره در دور دوم بود که به مذاکرات مسالت ۲۲ معروف است... و بالاخره کارتی توانست با روسها به توافق برسد (پس زنده باد کارتی صلح خواه)...

ولی طرفین یکدیگر اعتماد و اطمینان ندارند و لذا باید امکاناتی بوجود بیایند هر کدام دیگری را کنترل کنند... دولت آمریکا برای این امر (کنترل) دست به ایجاد پایگاههای مختلفی در اطراف مرزهای روسیه و نقاط مختلف جهان زده است. (نتیجه بگیرد که شبکه پایگاههای نظامی آمریکا بدور شوروی و نقاط مختلف جهان، که تاسیس آنها از فرادای جنگ جهانی دوم آغاز شد و بمدت ۳۵ سال است که ادامه دارد، برای کنترل (اجرای مذاکرات مسالت) بوده است) «از جمله این مراکز (کنترل) پایگاه کبکان در ایران بوده است در شمال خراسان، که در زمان شاه مستقیماً زیر نظر و بدست مأمورین آمریکائی اداره میشد... تطبیق پایگاه کبکان این امکانات (کنترل) را از آمریکا گرفته است. لذا تصویب مسالت ۲۲ در کشور آمریکا یا در هوست...»

و جان کلام آقای دکتری: «بعد از پیروزی انقلاب، دولت آمریکا فشارهای زیادی را به دولت موقت وارد آورد که بتواند موافقت دولت را برای فعال کردن مجدد پایگاه کبکان بگیرد (عجب! معلوم میشود سائلی در پشت پرده، تا حد تاسیس مجدد پایگاههای آمریکائی در ایران مطرح بوده است) ... اما دولت موقت زیر بار نرفت.»

سپس دکتر یزدی مینویسد: «حتی مطرح شد (چه کسی با چه کسی مطرح کرده، معلوم نیست) که ممکن است آمریکا و روسیه باهم مذاکره کنند و مشترکاً فعال شدن مجدد کبکان را از ایران درخواست کنند و این نیز (از طرف دولت موقت) پذیرفته نشد. لذا دولت آمریکا از این بابت مایوس و سخت ناراحت شد. بسیاری از جملات موزیانه و مرموز علیه دولت موقت و سیاست خارجی آن از چنین امری ناشی میشود.»

بدینسان، بعد از آن صغرا و کبرائی که هر سطرش بجنوبی آمریکا را تلمیح میکند، بالاخره آقای دکتر یزدی، بعنوان شخص «مطلع» کار «سازش دو ابر قدرت» را به آنجا میرساند که «روسیه و آمریکا» میخواستند با یکدیگر مذاکره کنند، تا پایگاههای جاسوسی آمریکا در ایران علیه شوروی مجدداً تاسیس شود، که خوشبختانه بدلیل «قاطعیتهای انقلابی» دولت موقت این امر صورت نکرده است، و در نتیجه آمریکا از دولت موقت «سخت ناراحت» شده است! ضمناً شما باید بدانید که از این پس، هر کس انتقادی از کار «دولت موقت» بکند، «امریکائی» است، زیرا دولت موقت مانع از آن شده است که آمریکا و شوروی با یکدیگر مذاکره کنند و مشترکاً از ایران بخواهند که آمریکا بر ضد شوروی در ایران پایگاه تاسیس کند!

وقتی «خط ۳۳» بکام بخواهد در «خط برژینسکی» «سازش دو ابر قدرت» را تبلیغ کند و یا از خود دفاع نماید، از این بهتر نمیشود.

مینویسد: «اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، چراغ سبز برای اقدامات مشابه غرب داده شد...» همین یک جمله مرکب از دو دروغ بزرگ است. افغانستان توسط ارتش شوروی اشغال نشده، بلکه افغانستان برای حفظ انقلاب استقلال طلبانه و خلقی خود در برابر تهاجم نظامی فئدالان مسلح، که آمریکا، یکمک پاکستان و چین علیه افغانستان تشکیل داده، از اتحاد شوروی کمک نظامی تقاضا کرد و این تقاضا، هم بر مبنای سیاست اصولی اتحاد شوروی در حمایت از انقلابهای آزادیبخش خلقی، و هم بر اساس قرارداد دوستی و همکاری بین اتحاد شوروی و افغانستان، از طرف شوروی پذیرفته شد. دولت شوروی و نیز دولت افغانستان رسماً اعلام داشته اند که بمحض خطر تهاجم نظامی خارجی به افغانستان مرتفع گردد، نیروهای شوروی خاک افغانستان را ترک خواهند کرد. درباره «چراغ سبز» نیز هر بی غرضی میدانند که هیچ «چراغ سبزی»، نه از جانب شوروی به «غرب» و نه از جانب «غرب» به شوروی، نمیتواند داده شود. جهان خواری و جنایتهای امپریالیسم آمریکا با «چراغ سبز» ساختگی، که گویا شوروی به آمریکا و به «غرب» میدهد، قابل توجه و تیره نیست. «میزان» بی جهت در تقلا است تا با «چراغ سبز» مردم را چنان گمراه کند که، دوست رابجائی دشمن و دشمن را بجای دوست بگذارند.

«میزان» در ارائه «دلایل» برای اثبات «سازش دو ابر قدرت»، حتی میخواهد چنین وانمود کند که دولت شوروی با تهاجم نظامی آمریکا بایران و سلطه مجدد آمریکا بر ایران موافق است! با دعای «میزان» بدلیل «اشغال نظامی افغانستان»، دخالت نظامی آمریکا در ایران قابل پیش بینی بود (یعنی اگر آن «اشغال» انجام نمیکرفت، این «دخالت نظامی» هم نمیشد) و در اثبات این ادعای سخیف، دروغ کثیفی میکویید که گویا «روسها» قبلاً از مأموریت نظامیان آمریکا در طیس اطلاع داشتند (روایت اطلاع را جز در گوش گردانندگان «میزان» بکسی نگفتند) و منتظر ماندند ببینند که «مأموریت نظامیان آمریکا» انجام میگردد و جمهوری اسلامی ایران ساقط میشود یا نه، و «تنها زمانی به آمریکا اعتراض کردند که عملیات با شکست روبرو شد!» بدینسان، بزعم میزان «خط برژینسکی» «روسها» نه فقط با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با رژیم جدید ضد امپریالیستی و خلقی ایران مخالف و دشمن اند، بلکه این «روسها» با خودشان هم دشمنند و میخواهند آمریکا بایران برگردد تا ایران مجدداً به پایگاه نظامی ضد شوروی بدل گردد!

دروغ از این سخیف تر نمیشود. ولی همین دروغ سخیف را گاه در سطح «میزان» و نیز گاه با چنان قیافه حق بجانب «مرد مطلع» میخوانند بخورد مردم دهند، که در واقع حیرت انگیز است. یکی از این قیافه های حق بجانب «مرد مطلع» را میتوان در روزنامه کبکان، شماره ۲۴ شهریور ۵۹ یافت. آقای دکتر ابراهیم یزدی، که وزیر خارجه در دوران دولت موقت آقای مهیندیس بازرگان بوده است، بعنوان «مرد مطلع» که قاعدتاً میبایستی حرف او را قبول کرد، ضمن توضیح علل کودتای آمریکائی در ترکیه، گریز به «سازش دو ابر قدرت» میزند و تا آنجا پیش میرود که خواننده خیال کند که آمریکا میخواسته است با «روسها» به توافق برسد که در ایران مجدداً پایگاههای نظامی جاسوسی ضد شوروی تاسیس شود، ولی «دولت موقت» زیر بار نرفته است! آقای دکتر یزدی برای اینکه این سهل را بخورد خوانندگان «کبکان» بدهد، «استدلال» میکند. مینویسد: «... بعد از جنگ جهانی دوم، روسیه و آمریکا دست بیک

روزنامه «میزان»، در شماره ۲۲ شهریور ۵۹، در مقاله ای زیر عنوان «در حاشیه کودتای نظامی ترکیه» نوشته است: «با اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، چراغ سبز برای اقدامات مشابه به غرب داده شد. بسیاری از ناظران سیاسی منتظر دخالت نظامی آمریکا در ایران بودند، که این عمل نیز انجام گرفت و جالب آنکه روسها، با اینکه قبلاً از مأموریت نظامیان آمریکا در طیس اطلاع داشتند، تنها زمانی به آمریکا اعتراض کردند، که این عملیات با شکست مواجه شد.»

سخن «میزان» بظاهر فقط سخیف است، ولی در واقع دفاع از آمریکا با مودیگری است. «میزان» جرات آنرا ندارد که علناً از آمریکا، از کودتای آمریکائی در ترکیه، از تهاجم نظامی آمریکا به ایران دفاع کند. «میزان» دشمن آمریکا را - به خیال خود - میزند، تا آمریکا را نجات دهد. میخواهد خشم مردم را متوجه نیرومندترین دشمن آمریکا کند و بدینسان آمریکا را از زیر ضربه خارج کند. «میزان» میکوید: چون شوروی وارد افغانستان شد، آمریکا هم در ایران دخالت نظامی و در ترکیه کودتا کرد. یعنی اگر شوروی وارد افغانستان نمیشد، آمریکا هم دخالت نظامی در ایران و کودتا در ترکیه نمیکرد. پس مقصر شوروی است نه آمریکا. امریکافقط «عکس العمل» میکند، نه عمل. اگر عمل شوروی نباشد، عکس العمل آمریکا نیز نخواهد بود. پس دشمن اصلی شوروی است، نه آمریکا. بنابراین در برابر این دشمن اصل، میتوان و باید با آمریکا سازش کرد!

بدینسان «میزان»، که علناً نمیتواند بگوید باید آمریکارا مجدداً بایران آورد، سعی دارد از طریق تبلیغ باصطلاح سازش دو ابر قدرت، خوانندگان خود را بهمان نتیجه گیری برساند.

«میزان» - ارگان بورژوازی لیبرال سازشکار، خواستار بازگشت آمریکا از پنجره، به ایران است. «میزان» در خط برژینسکی است و در خط برژینسکی تبلیغ میکند.

دستور برژینسکی را بآوردی بیاوردی کنیم! «لازم است جو سوء ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور (کارتر) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی ایران خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.»

«میزان» سعی دارد سوء ظن را، که در نتیجه بیش از نیم قرن تبلیغات امپریالیستی علیه اتحاد شوروی در ایران، در اذهان باقی مانده، دامن زند، تا شاید متکی بدان، بتوان سیاستی را در جهت تیره ساختن رابطه جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی اجرا کرد، به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران پایان بخشید و بدین وسیله مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی را تضعیف کرد، تا بتوان از آنرا زیر ضربه هلاکت بار قرارداد و یا بتوان آنرا منسوخ و مقیم کرد.

نظریه «سازش دو ابر قدرت» در ظاهر و در نظر اول شاید نوعی تبلیغ و ابراز خشم نسبت به هر دو ابر قدرت بنماید، ولی در واقع هدفش ایجاد شکاف بین جنبشهای آزادیبخش با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، بین کشورهای رزمنده در راه استقلال خویش با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، یعنی جدا کردن جنبشهای آزادیبخش و کشورهای استقلال طلب از نیروی حمایت گر آنها، بقصد تضعیف و شکستن آنهاست.

نظریه «سازش دو ابر قدرت» بر پایه دروغ بنا شده و هر گونه تبلیغ آن بناچار مجعولی است از دروغ. به نوشته «میزان» برگردیم.

وزیر خارجه اتحاد شوروی...

بقیه از صفحه ۱
گرومیکو گفت:
«اوضاع جهانی بفرج تر شده و زمامداران ناتو تلاش دارند که تعادل استراتژیک را بیفنج خود تغییر دهند و عامل اصلی وخامت اوضاع جهانی همین امر است. وزیر خارجه اتحاد شوروی گفت: «سیاستمداران واشنگتن چند مسئله را عنوان کرده اند: اول آنکه باصطلاح مناطق مختلف جهان و بویژه مناطق دارای منابع نفتی و یا مناطق استراتژیک و یا هر منطقه ای را که پتانسیون بپسندد، جزء مناطق منافع حیاتی آمریکا اعلام می کنند، و معلوم نیست چه کسی این حق را به واشنگتن داده است!»

گرومیکو افزود:
«واشنگتن تلاش دارد ملتهای این گونه مناطق را از حق حاکمیت محروم کند. دوم آنکه واشنگتن اعلام کرده است هر تغییری که خوش آیند آمریکا نباشد، اصلی برای مداخله مستقیم و یا خرابکاری از سوی آمریکا خواهد بود و البته سپاه واکنش سریع نیز برای مقابله با همین تغییرات و دگرگونیها ایجاد شده است. آمریکا در سالهای اخیر بیش از پیش از روش اکتفا به زور پکن

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا همه دمکراتهای آن کشور را به اتحاد فرا خواند

چند روز پیش، ششمین کنگره حزب کمونیست ونزوئلا در کاراکاس برگزار شد. خروس فاریا، دبیر کل حزب، در گزارشی کمیته مرکزی به کنگره، پیروزیهای نیروهای صلح را در سالهای گذشته در سراسر جهان یادآور گردید. وی همچنین متذکر شد که این کامیابیها کینه محافل امپریالیستی را برانگیخته است. این محافل، که اینک روش تجاوزکارانه خود را تشدید کرده اند، میکوشند تا جهان را به ورطه جنگ بکشانند. وی، برای نمونه، به تصمیم «فاتو» در بروکسل اشاره کرد که، بموجب آن، جنگ ابراهای هسته ای جدید میان برد در اروپای باختری مستقر خواهد شد. وی این تصمیم را ضربه ای سهمگین علیه تنش زدایی خواند.

فاریا همبستگی کمونیستهای ونزوئلا را با جنبشهای آزادیبخش قاره آمریکای لاتین ابراز داشت و دیکتاتورهای خونخوار شیلی، السالوادور، گواتمالا و پاراگوئه را محکوم کرد. وی، در این کنگره، بویژه ترویج را که اکنون بر بولیوی سایه انداخته است، خاطر نشان ساخت و عزم خلق بولیوی را برای براندازی حکومت اخیلتاق آمیسز خونخوری نظامی ستود.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا سیاست خارجی رهبران پکن و همبستگی آنها را با نیروهای امپریالیستی بیاد انتقاد گرفت. وی همچنین به تفصیل به اوضاع داخلی ونزوئلا پرداخت و از مردم ونزوئلا خواست، تا در برابر تهاجمات فزاینده به حقوق زحمتکش، افزایش فعالیت های راستگرایان افراطی و تلاش امپریالیسم ایالات متحده آمریکا برای شرکت هر چه بیشتر ونزوئلا در سیاست تجاوزکارانه خود، هشیار باشند.

فاریا نتیجه گرفت که، بدین ترتیب، دمکراتهای ونزوئلا وظیفه دارند تا با تشکیل جبهه ای واحد، به نیروی سیاسی توانائی بدل شوند و در برابر سیاست احزاب بورژوازی به ارائه رهیافت سازنده ای قادر باشند. فاریا افزود: «کنگره ما پروتاریا و دیگر نیروهای زرقی خواه را به برنامه ای انقلابی مجهز خواهد کرد، که بشما برچی در راه یکپارگی برای منافع ملی خواهد بود. حزب کمونیست برای اتحاد همه زحمتکش و تبدیل حزب به پیشاهنگ سیاسی راستین پروتاریا خواهد رزمید.» فاریا گفت که مقابله سازنده با سیاست رژیم کنونی ونزوئلا بویژه

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

توجه!
مطالب زیر، که در هفته گذشته در نامه «مردم» بچاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران «موظفان! چون تن واحد به مقابله با تجاوز رژیم مزدور یعنی عراق و توطئه آمریکایر خیزیم!» (شماره ۳۳۹)
- ما با آمریکا در جنگیم (شماره ۳۴۰)

بانوی مسنی از شهرک پردیس ۵۰۰ ریال
م. امیدی ۴۰۰ ریال
سازمان حزب توده ایران در کرگان ۵۰۰۰۰ ریال

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کارگران لحاف دوزان محروم ترین زحمتکشان اند

فشار دشواری ها بر انقلاب میهن ما

بقیه از صفحه ۵

ماهیت اکثریت مطلق گروه های به اصطلاح مبارز افغانی در وابستگی به امریکا، فاش شدن نقش خائنانه دولت کودتایی پاکستان، نقش دولت عراق در توطئه های ضد جمهوری اسلامی ایران و آمادگی کشورهای سوسیالیستی به هرگونه کمک اقتصادی و سیاسی به جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی بی دریغ جنبش کمونیستی سراسر جهان به عنوان یگانه نیرویی که با تبلیغات امپریالیستی روبرویی می کند از سوی دیگر هنوز کافی نیست که برای مبارزان راستین انقلاب ایران در حاکمیت کنونی زیان ها و خطرات آن سیاست خارجی که به وسیله بزدی ها و قطب زاده ها اعمال شده هنوز ادامه دارد روشن گردد؟ چرا رهبری انقلاب تحمل می کند که در چنین شرایط حساس تاریخی که انقلاب، از سر می گذراند عمال امپریالیسم، لیبرال ها و سازشکاران هنوز اهرم های سیاست خارجی ایران را در دست داشته باشند و با عمل خود خط کارتیر- برزیسکی را علیه انقلاب ایران آن هم به این آشکاری و بی پروایی پیاده کنند؟ این ها پرسش هایی است که تاریخ ایران در برابر حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران مطرح خواهد کرد.

تشکیل جبهه متحد خلق

یگانگی پاسخ عقلانی به خواست های مردم انقلاب ایران است

اولین خواهش و تمنا دوستانه از همه مبارزان راستین این است که کلمه "خلق" را به بازی نگیریم. کلماتی مانند خلق، مردم، توده کلمات مقدسی هستند که نباید برای هدف های گداری سوداگرانه سیاسی به بازی گرفته شوند. ارتجاع جهانی در تمام تاریخ همه مقدمات توده های زحمتکش و محروم را به بازی گرفته است. ما امروز بیش از هر وقت شاهد هستیم که چگونه امپریالیسم و ارتجاع جهانی "اسلام" را به بازی گرفته و با ترویج اسلام امریکایی و تحقیر و تحقیف اسلام واقعی، اسلام مبارز، اسلامی که امام خمینی بلندگوی آن است می کوشد تا محرومان مسلمان جهان را علیه انقلاب شکوهمند میهن ما، علیه جمهوری اسلامی ایران تجهیز نماید.

"جبهه متحد خلق" جبهه نیروهای راستین وفادار به هدف های استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و مردم دوستانه انقلاب ایران است. هنگامی که توده های محروم، پابرهنگها و جوانان مبارز به تانک های آریامهری یورش می بردند و سینه های خود را در مقابل مسلسل ها سپردند کسی از کسی نمی پرسید که اعتقادات فلسفی چیست. چرا حالا که فرمان امام خمینی برای بسیج هنگامی به منظور مقابله با تجاوز نیروهای جهانی امپریالیسم و ضد انقلاب به مرحله اجرا در می آید و مبارزان راه استقلال و آزادی به صفوف پایداری و مقاومت می پیوندند و می خواهند خود را برای یورش به تانکها و مقابله با مسلسل ها و بمبها آماده سازند، با این سؤال روبرو می شوند که عقیده فلسفی چیست؟ همه آن ها که در این آب و خاک زندگی می کنند حق زندگی دارند و حق دارند از این زندگی با جان خود دفاع کنند. چرا و بر پایه کدام "حق" مبارزان مسلمان این حق را از بخش بزرگی از مبارزان می گیرند، انحصارطلبی در اشغال مقامات دولتی و مواضع کلیدی می تواند قابل فهم باشد، ولی انحصارطلبی در حق دفاع از میهن، انحصارطلبی در حق دفاع از آزادی و استقلال ملی دیگر چرا؟ این انحصارطلبی دیگر اصلاً قابل فهم نیست. این انحصارطلبی بیمارگون و خطرناک است و منشاء این بیماری همان سم خطرناک نفاق و جدایی است که ارتجاع در طول تاریخ بشری همیشه برای تأمین حاکمیت خود در میان محرومان پخش کرده است.

همین طور است برخورد با حق اظهار نظر، با حق شرکت در پیدا کردن راه حل برای مشکلات. در این جا هم بیماری انحصارطلبی به شدت وجود دارد و منشاء بیماری نیز همان سم جدایی افکن ارتجاعی است.

هراندازه که در دوران تدارک انقلاب و به ویژه در جریان آخرین مراحل نبرد شیرینی اتحاد کام مردم میهن ما را نوازش داد، همان اندازه هم در بیست ماهی که از انقلاب می گذرد شلاق جدایی ها، دشمنی های ناشی از جاه طلبی و انحصارطلبی و خودخواهی بدن انقلاب ما را مجروح ساخته است. انقلاب ایران در این مرحله خطرناک از موجودیتش می طلبد که با این بیماری خطرناک "انحصارطلبی" در زمینه "خدمت به انقلاب" بطور جدی و همه جانبه مبارزه شود و به همه نیروهای وفادار به هدف های انقلاب ایران امکان داده شود که همه توان خود را در راه تثبیت و گسترش این انقلاب شکوهمند بکار اندازند. این خواست انقلاب و این آرزوی و حق همه مبارزان تنها در چهارچوب "جبهه متحد خلق" می تواند به واقعیت تبدیل شود، در جبهه متحدی از همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب، صرف نظر از اختلاف ها و تفاوت هایی که در نظراتشان و ارزیابی هایشان و دیدگاه هایشان وجود دارد. امروز انقلاب ایران را جبهه نامیمون و جهنمی متخدی از امپریالیست های جهانخوار و حکومت های ارتجاعی منطقه و ضد انقلاب ایران به شدت تهدید می کند. مبارزه همه جانبه با این دشمنان انقلاب ایران، چهارچوب برنامه جبهه متحد خلق را بوجود می آورد. بگذارید اتحادی پنهان و همگرا بر این پایه بوجود آید تا از تجدید سلطه جابرانه انحصارهای غارتگر امپریالیستی، از تجدید سلطه غارتگرانه سرمایه داران و زمین داران وابسته، از تجدید سلطه ساواک، جلوگیری شود و از نظام جمهوری اسلامی ایران برپایه قانون اساسی دفاع به عمل آید.

در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می توان به بهترین وجه همه نیروهای راستین انقلاب را تجهیز کرد و به مؤثرترین شکل با پیوند دادن و بهم آمیختن امکانات این نیروها آنان را برای سازندگی بکار بست.

در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می توان به درست ترین شکل همزیستی مسالمت آمیز و همکاری نیروهایی را که در زمینه های گوناگون برخورد به مسائل اجتماعی و فکری با هم اختلافاتی دارند ولی در زمینه دفاع از دستاوردهای انقلاب از اتفاق نظر برخوردارند، تأمین نمود. سخن کوتاه: در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می توان به بهترین شکل دفاع در مقابل تجاوز قطع نشدنی دشمنان انقلاب را سازمان داد و برنامه بازسازی و توسعه و پیشرفت اجتماعی جامعه را به پیش برد.

با این که نام "جبهه متحد خلق" و برنامه آن، از طرف بخشی از نیروهایی که بالقوه از عناصر اصلی تشکیل چنین جبهه های هستند هنوز هم به بازی و مسخره گرفته می شود، ولی کاملاً محسوس است که بویژه در ماه های اخیر، فکر و لزوم چنین جبهه های در ابعاد گوناگون و به اشکال مختلف بخش بزرگتری از مبارزان راستین راه انقلاب ایران را به خود مشغول می سازد. ما اطمینان داریم که آنچه امروز به "شوخی" گرفته می شود، فردا یا پس فردا به واقعیت نیرومند جامعه انقلابی ایران بدل خواهد شد و روزی خواهد رسید که مبارزان مسلمان و پیوندگان راه طبقه کارگر یعنی هواداران سوسیالیسم علمی در جبهه متحدی برای ساختن جامعه نوین میهن ما، دوش به دوش به میدان های نبرد اجتماعی روانه شوند.

ممکن است در فاصله رسیدن به این فردا و پس فردا هنوز محرومان میهن ما مجبور باشند از سنگلخ های دشواری بگذرند و رنج های فراوانی را تحمل نمایند ولی آنچه مسلم است، این است که بدین فردا و پس فردا خواهیم رسید.

حزب توده ایران با تمام نیروی خود برای هموار کردن راه رسیدن به این فردای زیبا که در آن پرچم اتحاد عظمی همه نیروهای راستین انقلاب برافراشته خواهد شد کوشش می کند و امیدوار است که سایر نیروهای مبارز انقلابی بر همه پیش داوری های ذهنی خود چیره شوند و

کارگران لحاف دوزان محروم ترین زحمتکشان اند

کارگران لحاف دوزان محروم ترین زحمتکشان اند. عده آنها در نیاوند به صدها نفر می رسد، که بیشتر آنها را کودکان خردسال تا ۱۴ ساله تشکیل می دهند. برخی از این کودکان ۳-۲ سال به مدرسه رفته اند، ولی به علت وضع خانوادگی، اجباراً مدرسه را ترک کرده و به کار مشغول شده اند.

این زحمتکشان دارای هیچگونه تشکیلات صنفی نیستند. این امر در رژیم سابق، به علت خصلت ضدکارگری آن، تا اندازه ای توجیه می شد. سرمایه-داران و کارفرمایان هر وقت که تصمیم به اخراج کارگران می گرفتند، بدون هیچ دغدغی این کار را انجام می دادند. اما کارگران در رژیم نوبنیاد جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که از امنیت شغلی به مراتب بیشتری برخوردار گردند.

با کارگران لحاف دوزان نیاوند به گفتگو نشستیم و از وضع کار آنها می پرسیم. می گویند: در این مقاله ۶ کارگر هستیم، که ۳ تا بیان کمتر از ۱۴ سال سن دارند. روزی ۱۵ لحاف بزرگ یا ۲۰ لحاف کوچک می دوزیم. هر لحاف بزرگی که می دوزیم، ۲۴-۲۲ تومان اجرت می گیریم. چند روز پیش درخواست کردیم تا مزد ما را زیاد کنند، ولی استاد کار موافقت نکرد و ما را تهدید به اخراج کرد. ما اداره کار شکایت کردیم، هم برای بیمه و هم برای مزد، ولی نتیجه مطلوب را نگرفتیم. از وضع بیمه آنها می پرسیم. می گویند: "ما بیمه نیستیم. قبلاً در زمان طاغوت که می آمدند ما را بیمه کنند، استاد کار به ما می گفت: بروید بیرون از مقاله که بیمه ای ما آمدند و ما هم می رفتیم".

چند ساعت در روز کار می کنید؟
"کار ما ساعتی نیست. ما تکمیل می کنیم، یعنی به تعدادی که لحاف می دوزیم، مزد میگیریم. روزهای جمعه و تعطیل و عیدها هم هیچ مزدی نمی گیریم".

مناهل هستی یا نه؟
"من ۲۸ سال دارم. زن و بچه هم ندارم. از وقتی که بچه بودم، اینجا کار می کرده ام. الان وضع بهتر است. آن وقت ها، تا قبل از اینکه به سرپای بروم، اصلاً مزدی نمی گرفتیم. یادم است ۲ سال تمام کار کردم، بعد استاد کار یک کت و - شلوار قرمز راه راه سیاه بازاری و یک جفت گیوه بند رنگی برایم خرید. بعد، از سرپای هم که برگشتیم دو باره آمد سر کار".

چرا کارگاه شمارد و بیکرد درست حسابی ندارد، برق ندارد، سفیدکاری نشده؟

"آقا، کارگاه لحاف دوزی است دیگه. تازه الان تابستانه و هوا خوب است، زمستان ها آنقدر سرد می شود که ما ول می کنیم و می رویم به دهات و کارهای دهات را انجام می دهیم، یا به شهر های گومسیری مثل بندرعباس می رویم. در این کارگاه، مانند سایر کارگاهها، کارگران کم سن و سال فراوان به چشم می خوردند، که هر کدام در روز ۱۰-۵ تومان مزد می گیرند. این کودکان به جای اینکه به مدرسه بروند، به لحاف دوزی مشغول اند. وقتی از آنها می پرسیم: چرا به مدرسه نرفتماید، یکی از آنها می گوید: "پدرمان نمی گذارد. ما می آئیم کاری کنیم و کمک خرجی برای پدرمان در می آوریم. روزی ۱۰ تومان به من می دهند، ولی بقیه روزی ۵ تومان می گیرند، چون من مدت زیادی است که کاری کنم. بهرام می گوید: "من ۱۳ ساله ام و ۹ سال است که در اینجا کار می کنم".

وارد کارگاه دیگری می شویم و با یک کارگر ۲۱ ساله صحبت می کنیم. می گوید: "روزی ۵۰ تومان خرج خانه می دهم، ۳۰-۲۰ تومان هم خرج هیكل خودم است. هرچقدر کار کنم، روزی ۲۵-۲۰ تومان بیشتر نمی شود، که به هیچ جایم نمی رسد. لحاف دوزی خیلی سخت است آنقدر باید دور یک لحاف بگردیم و سوزن بزنیم که سرمان گچی می خورد".

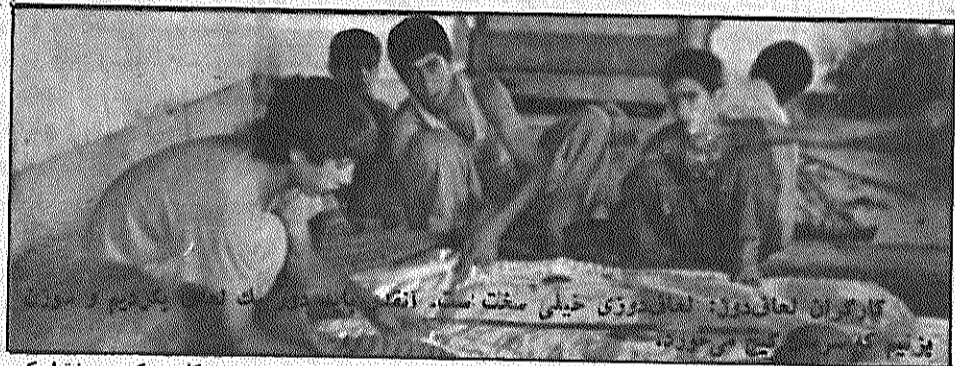
از وضع بیمه می پرسیم. می گوید: "بیمه نیستیم. الان ۲ سال است که مریض هستم. پشانی ام درد می کند و چرک کرده است. چقدر پول دوا و دکتر داده ام، حتی برای دکتر به تهران هم رفتم. به خدا پول یک نسخه ام ۶۰۰ تومان شده است. الان من جوانم، ۱۶ ساله ام و ۱۶ سال است که دارم کار می کنم. اگر یک روز کار نکنیم، مزد نداریم".

از حق مسکن، بازنشستگی، عیدی، پاداش حق اولاد و مزایای دیگر اصلاً خبری نیست. کارگری می گوید: "زمان انقلاب یک سال بیکار بودیم. کسی نیامد بگوید، این یک قران را بگیر و خرج کن. گفتیم بعد از انقلاب وضعیتمان بهتر می شود، ولی بهتر نشده. حالا هم هر روز که تعطیل است و بازار

بسته است، ما مزد نداریم

از میزان دستمزدشان می پرسیم. می گویند: "قبلاً ۲۴-۲۳ تومان برای هر لحاف می گرفتیم ولی اعتصاب کردیم و سر کار نرفتیم. شکایت به اداره کار نوشتیم، درخواست بیمه کردیم، ولی آنها طرف استاد کار را گرفتند. و به ما گفتند حق ندارید اعتصاب کنید، به ضرر مملکت است. ما گفتیم خوب مان می دانیم که اعتصاب کردن در این موقع به ضرر مملکت است، ولی مزد ما هم خیلی کم است. با این گرانی به هیچ گجایمان نمی رسد. بیمه هم نیستیم الان من جوانم و می توانم کار کنم. چند سال دیگر که از کار افتادم، چه کسی خرج خانواده مرا میدهد؟ در این کارگاهها وضع بهداشت در شرایط بسیار اسفناکی است. بیماریهای رایج، که در نتیجه تماس زیاد با پنبه و پشم های آلوده و گرد و غبار حاصله از آن، معمولاً کارگران را دچار بیماری های تنفسی می کند. اغلب کارگران دچار سردرد شده اند. کف دستهای کارگران در اثر فرورفتن سوزن به آن چرکین شده است. کارگران معمولاً چون از کودکی روی لحاف خم می شوند و می دوزند، دچار رشد غیر طبیعی مهره های پشت و قوز شده اند، بازوهایشان به علت طرز خاص نشستن روی زمین و کار کردن آب آورده است. همچنین دچار بیماری های چشم ناشی از محیط گرد و غبار و سوزن زدن شده اند. در کارگاههای پنبه زنی هستیم. گرد و غبار ناشی از پنبهها تمام فضا را پوشانده است. کارگاه بسیار تاریک است و هیچ پنجره ای برای ورود نور ندارد. در پشت دستگاه پنبه زنی کارگری کار می کند. با او صحبت می کنیم.

"اسم من نعمت است. من از ۸ سالگی شروع به کار کرده ام و به علت اینکه وضع خانوادگی ام خوب نبوده، مجبور به کار کردن شده ام. الان ۲۳ سال دارم و ۱۵ سال است که اینجا کار می کنم. شرایط محیط کار در اینجا خوب نیست. مانه بهداشت داریم و نه وسایل ایمنی. به علت نبودن بهداشت، کارگرانی را داشتیم که به سل مبتلا شده اند. چون وسایل ایمنی در این کارگاه وجود ندارد، بعضی از کارگران که در پشت موتور پنبه زنی کار می کرده اند، به علت نداشتن تجربه و حفاظت دستگاه، موتور - انگشتان آنها را قطع کرده است. چون بیمه نیستیم اگر اتفاقی برایشان بیفتد، مجبوریم خودمان پول مداوا را بپردازیم. ما از دولت می خواهیم بوضع ما رسیدگی کند. میزان حقوق ما ۶۰ تا ۸۰ تومان است.



ما از هفت صبح تا هفت شب کار می کنیم و فقط یک ساعت برای نهار خوردن می رویم. ولی این حقوق خیلی کم است. بعضی کارگران برای اینکه مزد بیشتری بگیرند، مجبورند از ساعت ۵ صبح تا ۷ غروب کار کنند تا ۱۲۰ تومان بگیرند. از حق مسکن و حق اولاد و سایر مزایا هم خبری نیست. ما حتی وقت تفریح هم نداریم.

کارگران در مورد سندیکا می گویند: "تمام کارگران علاقه زیادی به تشکیل سندیکا دارند. ما در زمان طاغوت سندیکا داشتیم، ولی سندیکای واقعی نبود و بیشتر کارفرما در آن دخالت داشت. در حال حاضر یکی از علل نبودن سندیکا مانعت کارفرماست و یکی هم اینکه وقت نداریم". کارگر دیگری، که خود را حسن معرفی می کند و پشت موتور پنبه زنی کار می کند، می گوید: "روزی ۱۰ ساعت کار می کنم و ۷۰ تومان می گیرم، ۴۲ سال دارم، ولی کار طاقت فرسا را برایتان نشان می دهم. در این کارگاه، گرد و غبار پنبه ما را خیلی آذین می کند، بطوریکه من چشمهایم درد می کند و همیشه اشک می ریزد. تنگ نفس هم دارم. روزهای جمعه که تعطیل هستیم، حقوق نمی گیریم، مگر اضافه کار کنیم. همه امیدمان را به انقلاب دوخته ایم، تا بلکه وضع ما بهتر بشود. ما کارگران در انقلاب شرکت داشتیم و حالا می خواهیم که با-آسایش و راحتی بیشتری زندگی کنیم".

کارگران لحاف دوز می خواهند:

- ۱- ساعات کار آنها مشخص شود و به ۸ ساعت در روز تقلیل یابد.
- ۲- اگر کارگری به علت بیماری نتوانست محل کار خود حاضر شود، حقوق وی پرداخت شود.
- ۳- به وضع بیمه و تا-مین اجتماعی کارگران لحاف دوز رسیدگی شود.
- ۴- دولت به خواست های برخی کارگران رسیدگی کند و شرایط زندگی آنها را تسهیل نماید.
- ۵- سن بازنشستگی برای همه کارگران، از جمله کارگران لحاف دوز کمتر از ۶۰ سال باشد.
- ۶- کارگران خردسال باید راهی مدرسه ها شوند جای آنها در پشت میز مدارس است.
- ۷- کارگران لحاف دوز نظیر سایر کارگران ایران چشم انتظارند که به کمک انقلاب فرجی در زندگیشان حاصل شود.

این مقاله در تاریخ ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ برای شماره ۶ مجله «دنیای» تکاشته شده است. از آنجا که چاپ مجله، مدتی به طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت پیش‌بینی‌ها و ارزیابی‌هایی که در این مقاله انجام گرفته است، درج سیرمتر آن را در نامه «مردم» ضرور دانستیم.

نورالدین کیانوری:

تشکیل جبهه متحدان

فشار دشواری‌ها هر روز سنگین‌تر

اگر بخواهیم برای وضع کنونی ارزیابی دقیقی بدهیم به این نتیجه می‌رسیم که: فشار دشواری‌ها بر انقلاب میهن ما هر روز سنگین‌تر می‌شود؛ شکاف‌های ناشی از چند دستگی، عدم تفاهم، هر روز عمیق‌تر می‌گردد. پیامد این دو واقعیت دردناک این می‌شود که: ضد انقلاب یعنی جبهه متحد دشمنان سوگندخورده خارجی و داخلی کشور ما به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هر روز هارتر، جسورتر و متجاوزتر می‌گردد؛ جبهه نیروهای انقلاب هر روز بیشتر به درگیری‌های خانمانسوز در درون خود مشغول می‌شود و در نتیجه پایداریش در مقابل تهاجمات ضد انقلاب ناتوان‌تر می‌گردد. این‌ها واقعیت‌هایی هستند که هر روز و هر لحظه در برابر چشمان هر مبارز دلسوز به سرنوشت انقلاب ایران قرار می‌گیرند. این واقعیت‌ها نگرانی‌آورند و نمی‌توان به انقلاب علاقمند بود و با خیالی آسوده از کنار آن‌ها گذشت.

درست است که انقلاب شکوهمند مردمی ما هنوز نیروی عظیم بالفعل و بالقوه در درون خود دارد و وجود همین نیروی عظیم است که تاکنون توطئه‌های خطرناک دشمنان انقلاب را نقش بر آب ساخته است، ولی بر اثر ضعف رهبری انقلاب در حل دشواری‌ها و برداشتن سدها و موانع از سر راه گسترش مردمی آن، این نیرو دچار رکود شده و در دوران اخیر رو به کاهش گذاشته است. گفته می‌شود که این دشواری‌ها، دشواری‌هایی است که هر انقلاب عمیقاً "ضدامپریالیستی و مردمی" بدنبال دارد. در این ادعا یک هسته درست وجود دارد. همه می‌دانیم که هر انقلاب عمیقاً "ضدامپریالیستی و مردمی" که بخواهد در راه تأمین استقلال واقعی در قبال سلطه نیروهای امپریالیسم جهان‌خوار و در راه درگونی مناسبات اجتماعی به سود محرومان و بزرگان غارتگرانه اقدامات بنیادی دست زند (و اگر واقعا "انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی" است راهی جز این ندارد) با دشواری‌های عظیمی روبرو خواهد شد. برای جامعه‌ای که طی ده‌ها سال زنجیرهای اسارت و وابستگی به امپریالیسم خونخوار به دست‌وپایش بسته شده بود، راهی از این اسارت و وابستگی کار آسانی نیست و این کار با دشواری‌های بسیاری توأم است. ولی این هسته درست عینی، تنها یک سوی سکه را نشان می‌دهد. سوی دیگر سکه این است که نیروهای انقلاب چگونه می‌توانند بر این دشواری‌ها چیره شوند. در این‌جا است که نقش رهبری انقلاب، نقش‌رهبری این ارتش عظیم آماده به از خودگذشتگی و جانبازی در راه پیروزی انقلاب اهمیت تاریخی و تعیین‌کننده پیدا می‌کند. در شرایط نبرد زندگی و مرگ که اکنون برای انقلاب میهن ما بوجود آمده است، اگر رهبری انقلاب بتواند نیروهای عظیم انقلابی را به صورت ارتش واحد و متحدی گرد هم آورد، و در جبهه‌های گوناگون نبردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی به میدان بفرستد و از امکانات عظیم مساعدی که در شرایط امروز جهان و در درون کشور ما به سود تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وجود دارد، بهره‌گیری کند، به آسانی خواهد توانست همه دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب را نقش بر آب سازد و میهن ما را در راه گسترش پایه‌های استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی با گام‌های فرسنگی به پیش برد.

برای آن که رهبری انقلاب ایران بتواند علی‌رغم همه دشواری‌ها و همه دشمنی‌های کین‌توزانه و شیطانی امپریالیست‌ها و سرسپردگان‌شان انقلاب را پیرومندانه در چنین راهی به پیش ببرد، در همه زمینه‌ها، هم در درون جامعه ایران و هم در صحنه جهانی از امکانات عظیم واقعی برخوردار است. با هیئت حاکمه کشور است که دوران هرگونه پیشداری باروشی واقع بینانه از این امکانات عظیم و تاریخی بهره‌گیری نماید. حتی یک مقایسه سطحی امکانات عظیمی که برای پیروزی انقلاب ایران در شرایط کنونی جهان وجود دارد با امکانات به مراتب محدودتری که برای انقلاب‌های پیروزمند الجزایر، ویت‌نام، کوبا، آنگولا، موزامبیک و کشورهای دیگر نظیر آن‌ها وجود داشته است، ما را به این نتیجه می‌رساند که بزرگ‌ترین نقطه ضعف انقلاب ما را باید ندر عوامل عینی و دشواری‌های اجتناب‌ناپذیر بلکه در ناتوانی حاکمیت در زمینه بهره‌گیری از عوامل مثبت جستجو کرد.

برخلاف نظر افراد و گروه‌هایی که می‌کوشند این ناتوانی را تنها پیامد عمل آگاهانه بخش مؤثری از حاکمیت کنونی کشور معرفی کنند، حزب توده ایران بر آنست که این ناتوانی دورپیشه عمده و تعیین‌کننده دارد. یکی برخورد غیرواقع بینانه و غیرعلمی بخشی از حاکمیت که به انقلاب وفادار و به پیروزی آن علاقمند است و دیگری عمل آگاهانه و خرابکارانه ضد انقلاب که در دستگاه درهم شکسته نشده اعمال حاکمیت دولتی، یعنی در دستگاه‌های اداری، نظامی، تأمین، اقتصادی و تبلیغاتی حساس‌ترین مواضع کلیدی را در دست داشته و از این مواضع به طور بیگانه و خستگی‌ناپذیر هرگونه تجمع نیروها، هرگونه تفاهم، هرگونه تلاش واقع بینانه برای بهره‌گیری از عوامل مثبت و مساعد به سود انقلاب را زیر آتش تخریبی توطئه‌خانه ضد انقلاب قرار می‌دهند.

دشواری‌ها را کمی بشکافیم

برای آن که این ادعای ما در هوا نماند، به واقعیات می‌پردازیم، عمده‌ترین دشواری‌ها را کمی می‌شکافیم، راه‌حل‌های منطقی و عقلانی مبارزه علی‌ان‌ها را بررسی می‌کنیم و این راه حل‌ها را با آن‌چه که از طرف حاکمیت کنونی انجام گرفته رودرو قرار می‌دهیم. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران برای هرکس که کوچکترین آشنایی به اوضاع جهان امروز ما داشت روشن بود که امپریالیسم جهان‌خوار که موجودیتش به غارت منابع نفتی منطقه خلیج فارس بستگی دارد، به هیچ‌قیمتی با انقلاب ایران که دارای محتوی و ماهیت عمیقاً "ضد امپریالیستی و مردمی" بود آشتی نخواهد کرد. کاملاً روشن بود که همه رژیم‌های وابسته به امپریالیسم در سراسر جهان و به ویژه رژیم‌های ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در منطقه مجاورت ایران (اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان، ترکیه، عمان، بحرین، امارات عربی) که پایه‌های حاکمیت خائنانه و جا برانه‌شان با انقلاب ایران به لرزه درآمده بود، تمام نیروی خود را برای درهم شکستن این انقلاب به کار خواهند انداخت و از ترس سرایت انقلاب ایران به کشورهایشان هر روز بیشتر خود را در اختیار غرب امپریالیستی قرار خواهند داد. روشن بود که حداقل خواست و میرم‌ترین هدف این دشمنان انقلاب ایران، بازگرداندن اوضاع دوران طاغوت به ایران، یعنی تجدید کامل وابستگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ایران به نظام متعفن غربی است. امپریالیسم جهان‌خوار به سرکردگی آمریکا نه تنها پس از پیروزی انقلاب، بلکه از همان روزهایی که جنبش انقلابی ایران روبرو می‌رفت و درونمای درهم شکسته شدن رژیم طاغوتی نمایان می‌شد نقشه سرکوب انقلاب ایران را می‌کشید. افشاگری‌های سولیمان (آخرین فرماندار آمریکایی ایران دوران طاغوت) در روزهای اخیر به خوبی نشان می‌دهد که نقشه درهم شکستن جنبش انقلابی ایران از راه یک کودتای نظامی به هیچ‌وجه نقشه‌تازهای نیست. این همان نقشه‌ای است که در ایران سال ۱۳۳۲ و پس از آن در اندونزی، در سودان، در شیلی، در پاکستان، در ترکیه، در آرژانتین و ده‌ها کشور دیگر به موقع اجرا درآمد.

پس، از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً "ضدامپریالیستی

و مردمی کشور ما با دشمن کین‌توز و خطرناک یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و همه حکومت‌های ارتجاعی منطقه روبرو است و باید هرلحظه انتظار داشت که این دشمن توطئه جدیدی را برای از پا درآوردن نظام انقلابی و تغییر بنیادی در سمتگیری ضدامپریالیستی و مردمی آن تدارک ببیند.

ولی با کمال تأسف به‌جای آن که حاکمیت انقلابی کشور این واقعیت را دقیقاً بشناسد و همه نیروهای انقلاب را در راه مقابله با این خطر عظیم تجهیز کند و در آن شرایط مساعد اتحادکم نظیر نیروهای انقلابی جبهه متحدی از این نیروها با برنامه‌ای عملی بوجود آورد، تحت تأثیر لیبرال‌ها قرار گرفت و دچار خوش‌باوری شد و خطر را به مراتب کوچک‌تر از آن‌چه بود ارزیابی نمود. واقعیات سرسخت نشان دادند که تجربه تفویض دولت به لیبرال‌های هوادار نزدیکی به آمریکا، که خوشبختانه با دیدار با برزیل در الجزایر کوس رسوائیش زده شد، تا چه اندازه برای انقلاب ایران گران تمام شد.

حزب توده ایران از همان اولین ماه‌های پیروزی، خطر خیانت لیبرال‌ها را به انقلاب کاملاً پیش‌بینی کرد و نیروهای اصیل انقلابی را از این خطر برحذر داشت. دوران حکومت لیبرال‌ها که عوامل سرسپرده وابسته به آمریکا نظیر امیران‌نظام‌ها، نژیه‌ها، مقدم‌مراغه‌ای‌ها، ایزدی‌ها و دستیاران هنوز افشاء نشده دیگر آن‌ها حساس‌ترین مواضع کلیدی آن‌را در دست داشتند، دوران فلج حاکمیت انقلابی در یکسو و دوران سازماندهی نیروهای ضداثقلاب و تدارک ضربه‌های کودتایی امریکایی از سوی دیگر بود.

ولی جنبش انقلابی ایران نیرومندتر و رهبر آن بیدارتر از آن بود که این توطئه امپریالیسم و ضدانقلاب و نیروهای سازشکار بتوانند پیروز شوند. اقدام جسورانه و انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به اشغال جاسوخانه آمریکا ضربه شکننده‌ای به این توطئه وارد ساخت و همانطور که امام خمینی ارزیابی کرد سرآغاز انقلاب تازه‌ای که به مراتب عمیق‌تر و عظیم‌تر از انقلاب بهمن ماه است، گردید.

با فاش شدن و سرنگون شدن دولت سازشکار و تسلیم طلب لیبرال، امپریالیسم آمریکا از کامیابی اولین توطئه علیه انقلاب ایران مایوس گردید و بلافاصله نقشه‌های از پیش آماده شده برای تدارک کودتای نظامی را وارد مرحله عمل کرد.

ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در هشت زمینه مشخص نقشه‌های از پیش آماده شده کهدر آزمایش‌های ضداثقلابی ۳۰ ساله اخیر بارها به‌مورد اجرا گذاشته شده را علیه انقلاب ایران به‌مورد اجرا گذاشت. این هشت زمینه عبارتند از:

۱. ایجاد جو وحشتناک تبلیغاتی علیه انقلاب ایران در سراسر جهان امپریالیستی و حتی در درون ایران؛
۲. فلج کردن و ناتوان ساختن جبهه مقاومت انقلابی ایران از راه منفجر ساختن عمده‌ترین عامل نیرومندی آن، یعنی وحدت سمت‌گیری و اتحاد عمل همه نیروهای راستین هوادار انقلاب، به‌وسیله دامن‌زدن به اختلافات فرعی و تشدید همه‌گونه تشنجات درونی در جامعه ایران؛
۳. منزوی کردن سیاسی ایران در دنیای امپریالیستی؛
۴. تیره‌کردن مناسبات ایران با کشورهای دوست و پشتیان انقلاب ایران و به‌ویژه همان‌طور که رهنمود برزیل‌سکی صریحاً اشاره می‌کند، تیره‌کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی؛
۵. اعمال محاصره اقتصادی؛
۶. تسریع در تکمیل محاصره نظامی ایران که از همان آغاز اوج جنبش انقلابی در ایران آغاز شده بود؛
۷. عملی ساختن کار سازماندهی نیروهای ضد انقلاب در ایران و انجام اقدامات وسیع خرابکاری تا حد تدارک کودتا؛
۸. تدارک یک نیروی ضربتی ضد انقلاب در خارج کشور برای آخرین مرحله اجرای نقشه براندازی جمهوری اسلامی ایران.

امروز دیدن این نقشه امپریالیسم آمریکا که سرکردگی همه دشمنان انقلاب ایران را به‌عهده دارد زیاد دشوار نیست، زیرا همه اجزاء آن دیگر آشکار شده است. ولی توجه به این واقعیت بسیار ضرور و جالب است که چگونه اقدامات دولت لیبرال در همه زمینه‌ها تکرار می‌کنیم در همه زمینه‌ها تکمیل‌رسانی و زمینه‌سازی برای پیشرفت این نقشه‌ها بوده است. در این‌جا برای رعایت صداقت تاریخی باید با تمام صراحت یادآوری کنیم که این حکم‌ها دلیل بر آن نیست که همه افراد و اعضا و هواداران دولت لیبرال مانند امیران‌نظام و نژیه آگاهانه و خائنانه چنین سیاستی را داشته‌اند. نظر ما این است که موضع‌گیری سازشکارانه و غیر انقلابی لیبرال‌ها که ناشی از ماهیت طبقاتی ایشان است، آنان را به این راه رانده است. کوشش لیبرال‌ها در جهت محصور کردن انقلاب در چهارچوب نگهداری نظام غارتگر سرمایه‌داری-آنان را عملاً به جاده صاف کن راه بازگشت بزرگ سرمایه‌داران وابسته و کلان زمین‌داران به قدرت یعنی به بازگشت نظام سرنگون‌شده مبدل می‌سازد.

این‌که دولت لیبرال‌ها راه‌را (بخشی آگاهانه و بخشی ناآگاهانه) برای پیشرفت این نقشه جهنمی دشمنان خارجی و داخلی انقلاب هموار ساخته است، غریب و عجیب نیست. دردناک این است که پس از این تجربه تلخ چطور لیبرال‌های رانده‌شده از قدرت دولتی توانستند در شورای انقلاب باقی بمانند و همان‌طور که آقای دکتر باهنر در کارنامه شورای انقلاب یاد کرد، به سیاست ترمزکننده خود در حل مشکلات اجتماعی ادامه دهند.

واقعیت این است که پس از سرنگونی دولت لیبرال و آغاز مرحله جدید تجاوز آشکار امپریالیسم و ضدانقلاب، عمل شورای انقلاب (با وجود این‌که گام‌های مهمی در جهت رهنمودهای امام خمینی برداشت) در زمینه افشا کردن و خنثی کردن توطئه‌های رنگارنگ نیروهای ضد انقلاب در درون کشور و در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان یعنی درهمه زمینه‌های آگاهانه‌ای که یادآوری کردیم نقاط ضعف بسیار جدی داشته است.

واقعیت این است که از طرف حاکمیت جمهوری ایجاد نهادهای قانونی و نه پس از آن که این همه‌جانبه‌ای برای رویارویی با توطئه‌های دشمنان نگردیده، بلکه برعکس مردم ایران شاهد رویداد آ‌ب به آسیاب پیشرفت هدف‌های دشمنان انقلاب کافی است تنها به برخی از این نکات توجه

در زمینه تجمع و تجهیز نیروهای انقلاب

مثلاً بیبنیم در زمینه عمده‌ترین مسئله برای امام خمینی تقریباً "دره‌برآمد خود به آن اسارت نیروهای راستین وفادار به انقلاب چه می‌گذرد؟" انقلاب ایران، امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و مسلمان و هواداران مکتب سوسیالیسم علمی که دفاع می‌کنند، بلکه میان‌مبارزان مسلمان شیعه رهبران مسلمان شیعه، میان مجلس و رئیس مقامات مسئول حاکمیت دولتی و نهادهای انقلاب وفادار به انقلاب آتش نفاق را برافروزند. به‌عنوان درست توجه کنید، حظه به دفاتر حزب توده و عملی می‌گردد که با شکست خطرناک‌ترین توطئه همگان روشن می‌شود که حزب توده ایران سهم داشته است. آیا امروز که حقایق بسیاری درباره گردیده، دلایل کافی به‌دست نمی‌دهد که بخش توده ایران به انتقام‌جویی کودتاچیان، یعنی مبارزان مسلمان که همه این تجاوزات به نام آن انقلاب قرار گرفته‌اند؟ آیا ادامه این تجاوزات طرف رئیس جمهور، دادستان کل کشور، امام اسلامی نشان‌دهنده این نیست که دست ضد انقلاب همه این‌ها نشان‌دهنده می‌دهد که رهبران جمهور دشمن در زمینه ایجاد نفاق و دامن زدن به تشنج عقل سلیم و دید روشن حتی ساده‌ترین افرو تلاشی ما باید در جهت خاموش کردن این آتش شعله‌ور ساختن آن.

آیا دردآور نیست که دستگاه‌های تبلیغاتی راستین انقلاب حتی از گفته‌های تحریک‌آمیز جرش برای دامن زدن به آتش نفاق و دشمنی که امپریال تهرانی و رکنی که تا آخرین دم به هدف‌های نیروهای انقلاب را خوب تشخیص می‌دهند و با سانسور حیات ننگین خود زهر خود را بریزند، مسوم‌تسازند. اینان آگاهانه عمل می‌کنند، و دایمی که آشکارا جلوی پای آنان گسترده می‌شود، ما اطمینان داریم که عوامل ضد انقلاب ساعت‌ها فیلم برای "پیروزی" کودتا تدارک ببینند سیاسی جای‌گرفته‌اند و با تظاهر به "متعهد و مکت می‌دهند."

برخورد با مسئله ملی

نمونه دیگری از برخورد نادرست با توطئه حاکمیت در مورد کردستان است. از همان آغاز انقلاب روشن بود که امپریال اجتماعی کشورهای نظیر ایران و با شناخت تمام اقلیت‌های ملی و هم در میان نیروهای مؤثر ملی به زبان انقلاب و در جهت ایجاد کانونه امروز ما شاهد آن هستیم که این توطئه، عراق و به‌گرداندگی عوامل وابسته به امپریالیسم بخشی از خلق رنج‌دیده و ده‌ها بار در تاریخ، و مهم‌ترین مرکز فعالیت ضد انقلاب در کردستان به‌نظر ما در کنار تحریکات امپریالیسم و به واقع بینانه حاکمیت در ایجاد چنین وضعی عمده جمهوری اسلامی ایران به مسئله کردستان و به (مانند آذربایجان، بلوچستان، خوزستان و مناطقی بر تجربه تاریخی ده‌ها نمونه مشابه در آن

همه نیر و های راستین وفادار به انقلاب یگانه راه رستگاری است

بر انقلاب میهن ما بن تر میشود

ممكن بود كه ضد انقلاب و عناصر ماجراجو و آشوب طلب رامنزوی ساخت و امكانات توطئه و آتش فروزی را از آنان گرفت. به نظر ما هنوز هم دیر نشده است. حزب توده ایران پیوسته به این نكته تکیه کرده است كه حل مسئله كردستان و به طور کلی حل مسئله ملی، و در ارتباط با آن غیر ممکن ساختن تلاش های امپریالیسم و ضد انقلاب در جهت بهره گیری از این مسئله به سود خود تنها از راه صلح آمیز، از راه به رسمیت شناختن حقوق واقعی این خلق های محروم، تنها از راه پایان دادن به محرومیت های ملی، از راه احترام به زبان، مذهب و سنن و پذیرفتن حق انسانی اداره خود برای این خلق ها در چهارچوب ایران واحد با دولتی مرکزی، در چهارچوب تأمین حقوق دموکراتیک برای همه مردم ایران امکان پذیر است - تاریخ نشان خواهد داد كه عدم توجه به این پیشنهاد حزب ما تا چه حد برای انقلاب ایران گران تمام خواهد شد.

به نظر ما در چنین چهارچوبی سرکوب جرمه های ضد انقلاب در این مناطق ملی به آسان ترین شکل و با کمترین نیرو امکان پذیر است.

تدارک در برابر محاصره اقتصادی

توسل به محاصره اقتصادی از سوی امپریالیسم برای به زانو درآوردن انقلاب ایران مسلم و حتمی بود. وجود نظام مستقل اقتصادی و سیاسی در ایران - تکیه می کنیم در ایران - با موقعیت منحصر به فرد سوق الجیشی اش برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه نظامی نه امروز و نه فردا و نه پس فردا قابل تحمل نیست.

ایران، الجزایر و تانزانیا نیست. اگر محاصره اقتصادی کویا از سوی آمریکا حتی پس از پانزده سال در شرایطی كه تغییر نظام سیاسی آن کشور دیگر جزو محالات به شمار می آید، ادامه دارد، فشار اقتصادی امپریالیسم بر ایران مستقل تنها وقتی قطع خواهد شد كه راه برای تجدید وابستگی اقتصادی و به موازات آن وابستگی سیاسی و نظامی و فرهنگی ایران به غرب امپریالیستی باز شده باشد و یا لاقفل مانند دوران دولت لیبرال امید زیادی به باز شدن آن موجود باشد.

يك لحظه با دقت به این گفته برژینسکی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ توجه کنید "برژینسکی كه در جمع شورای امور جهانی در لوس آنجلس سخن می گفت به موضوع ۵۲ گروهان آمریکایی در تهران و عملیات نافرجام کوماندوهای آمریکایی در ایران اشاره ای نکرد. برژینسکی چندین بار اهمیت ایران و افغانستان را برای امنیت کشورهای غربی مورد تأکید قرار داد. برژینسکی گفت اگر این منطقه منفجر شود... توازن قدرت در جهان نه تنها بطور عمده بلکه بطور تغییرناپذیری از بین خواهد رفت" (نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۱ اردیبهشت ۵۹).

درست توجه کنید:

امپریالیسم آمریکا تحکیم جمهوری اسلامی را در ایران و جمهوری دموکراتیک خلق را در افغانستان عامل انفجار در منطقه می داند و این انفجار را برای جهان امپریالیستی فاجعه ای حیران ناپذیر به حساب می آورد.

آیا این اعتراف صریح بلندگوی عمده امپریالیسم آمریکا کافی نیست كه به این نتیجه برسیم كه هرگونه تلاش برای ناتوان ساختن و برانداختن جمهوری اسلامی در ایران و جمهوری دموکراتیک خلق در افغانستان تنها به سود تحکیم مواضع امپریالیسم آمریکا، دشمن شماره یک همه محرومان جهان و دشمن شماره یک انقلاب ایران تمام می شود. هرگز غیر از این بتیدیش، اگر هم نسبت به هدف های انقلاب ایران صادق باشد، از واقعیات سیاست جهانی ناآگاه است و هنوز امپریالیسم را نشناخته است. این فرضیه هم كه گویا تضادهای درونی در دنیای امپریالیستی آنقدر شدید هستند كه می توان بدون "وابستگی" از این تضادها بهره گیری كرد و محاصره اقتصادی آمریکا را با كمك کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن درهم شكست در جریان رویدادهای ماه های اخیر نارسایی خود را نشان داد. استفاده عملی از تضادهای درونی قدر قدرتهای امپریالیستی تنها در مواردی امکان پذیر می شوند كه منافع حیاتی مجموعه دنیای امپریالیستی در خطر نباشد. فراموش نکنیم، باز هم فراموش نکنیم و صدبار فراموش نکنیم كه ایران مستقل و آزاد و غیر وابسته با نظام "ضد امپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی" در مرحله کنونی تاریخ جهان كه هستی کشورهای رشد یافته امپریالیستی با منابع نفتی خلیج فارس وابستگی تعیین کننده پیدا کرده، برای مجموعه این دنیای امپریالیستی تهدیدی جدی است. بی دلیل نیست كه ما شاهد این واقعیت هستیم كه در مورد فشار به ایران و توطئه برای برانداختن رژیم انقلابی در افغانستان، بطور بی سابقه ای در دهه سال اخیر جبهه کشورهای امپریالیستی یكپارچگی به خود گرفته است. شناخت این واقعیت باید تعیین کننده سیاست کوتاه مدت و درازمدت اقتصادی ایران باشد.

جمهوری اسلامی ایران به پیروی از این واقعیت باید بی درنگ پس از انقلاب پیروزمند و با لاقفل پس از تجربه دردناك دولت سازشكار لیبرال، و با پس از آغاز اعمال محاصره اقتصادی و پیوستن آشكار و عهدشكانه کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن به این سیاست، تصمیم قاطع خود را برای رویارویی با آن می گرفت و با اقدامات جسورانه در جهت گسترش و تحکیم مناسبات دامنه دار اقتصادی به منظور رفع نیازمندی های فوری و ایجاد زمینه برای پیشرفت های آینده با آن کشورهای كه آماده همکاری های اقتصادی با ایران بودند و در درجه اول با کشورهای سوسیالیستی، کشورهای ضد امپریالیستی آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و بالاخره با کشورهای غیر وابسته به امپریالیسم این تجاوز آشكار دشمنان انقلاب ایران را با ناکامی روبرو می ساخت. با گزینش چنین سمگیری در زمینه مبارزه با محاصره اقتصادی امپریالیست ها با بهره گیری از امكانات استثنایی مساعد كه درآمد كلان ارزی از نفت یکی از آنها است، بدون تردید بخش عظیمی از مشکلاتی كه امروز گریبانگیر اقتصاد کشور ما در همه زمینه ها است، وجود نداشت و ایران می توانست با یوزخندی پیروزمندانه به تهدیدات غارتگران جهانی پاسخ گوید. ولی با كمال تأسف آنچه را كه ما شاهد آن هستیم از يك چنین سیاست عقلانی كاملاً "به دور است. پایه مناسبات اقتصادی خارجی ما را هنوز هم اساساً و عمده

اقتصادی "برابری" با دنیای امپریالیستی غرب تشكيل می دهد. هنوز در مقابل این دورنمای غیرقابل اجتناب در مناسبات دنیای امپریالیستی با انقلاب ایران هیچ گونه استراتژی کوتاه مدت و درازمدت مقاومت و پایداری اقتصادی پایه گذاری نشده است. مثل این كه بسیاری از دولتمردان اینطور فكر می كنند كه انقلاب ایران فقط "سوخوی كرده است" و به همین جهت امپریالیست ها بیخود از آن به وحشت افتاده اند، آنان برای آن كه این بازی قایم باشك را به خیال خود گرم تر كنند به تیره كردن مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با اتحاد شوروی پرداخته اند و از این راه می كوشند تا ثابت كنند كه دولت انقلابی ایران در دشمنی با سوسیالیسم و بویژه اتحاد شوروی گوی سبقت را حتی از ضیاء الحق و سادات و دمیرل هم خواهد ربود. و چنین سیاست مهلك برای انقلاب ایران، چنین خدمت به پیاده كردن خط برژینسکی درست در زمانی به اجرا درمی آید كه توطئه های جنایت آمیز امپریالیست ها علیه انقلاب ایران به اوج خود رسیده و كودتا پس از كودتا تدارك دیده می شود و زمینه حمله همه جانبه نظامی به جمهوری اسلامی آماده می گردد. در نتیجه این سیاست غیرواقعی بینانه و تحت تاثیر اقدامات خرابكارانه عوامل دشمن از يك سو و سرمایه داران بزرگ متمایل به سازش با غرب امپریالیستی از سوی دیگر كه در حقیقت عمده ترین شریان های اقتصاد ما و بویژه تجارت خارجی و توزیع داخلی کشور را در دست دارند، مشکلات اقتصادی نگرانی آوری رشد یافته و هر روز بیشتر رشد می یابد. تنها با تغییر بنیادی سمگیری در سیاست اقتصادی برپایه گسترش مناسبات اقتصادی با دنیای ضد امپریالیستی و مستقل می توان در مقابل فشار روزافزون و پایان ناپذیر امپریالیست ها پایداری كرد. راه دیگر راه تسلیم به خواست های اساسی امپریالیسم جهانی یعنی تجدید وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران به امپریالیسم یعنی تبدیل ایران به پاکستان و تركیه و عربستان دیگری است. ما فكر می كنیم كه راه سومی برای ایران - تکیه می كنیم برای جمهوری اسلامی ایران با محتوای عمیقاً "ضد امپریالیستی و مردمی اش - وجود ندارد هر راه دیگر انقلاب ما را ناتوان خواهد ساخت و زمینه را برای كامیابی توطئه های ضد انقلاب آماده خواهد كرد.

سیاست خارجی ایران در جهت تحکیم انقلاب ایران نیست

به یاد بیاوریم كه در مرداد ماه سال گذشته یعنی مدت ها پیش از رویداد اشغال جاسوخانه و رویداد افغانستان، برژینسکی كه در ماه های پیش از پیروزی انقلاب دستور تدارك كودتای نظامی را به سولیوان و ژنرال هوپرز داده بود، از طرف كارتر به وزارت خارجه آمریکا و به وسیله وزارت خارجه به كاركنان جاسوخانه و امیرانتظام ها و نژیه ها و نظایر آن ها دستور می دهد كه: "رئیس جمهور همچنین خاطرنشان ساخته است كه لازم است جو سوء ظن و عدم اعتمادی را كه بین ایران و همسایگانش وجود دارد مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است كه پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً "توسط اتحاد جماهیر شوروی حتماً" به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد."

توجه کنید به كلمه "حتماً" - امپریالیسم آمریکا اطمینان دارد كه اگر "كارگزاران" و "دوستان" و "ارادتمندان" بتوانند مناسبات ایران و شوروی را كه به طور همه جانبه از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می كند تیره سازند و شرایطی را بوجود آورند كه اتحاد شوروی دیگر این پشتیبانی را ننماید این امر "حتماً" به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی یعنی انقلاب ایران خواهد انجامید.

حال بیاییم و منصفانه سیاست عمل شده به وسیله یزدی ها، چمران ها، قطب زاده ها را در ارتباط با این "رهنمود" ارزیابی كنیم. بیاییم و عمل كسانی را كه با هزار خروار جیب و با بهره گیری از سم پاشی جرمه های كنیفی مانند ركنی مزدور و خود فروخته می كوشند مناسبات ایران و اتحاد شوروی را برای "پایان دادن به پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران" تیره سازند، مورد قضاوت قرار دهیم. این ها همانهایی هستند كه با آگاهانه مانند یزدی ها و چمران ها، و قطب زاده ها برای هموار كردن راه سازش و تسلیم به آمریکا كام برمی دارند و یا ناآگاهانه از مواضع كور ضد كمونیستی عمل می كنند كه در هر حال نتیجه یكی است. این ها و همكارانشان در تمام دوران پس از پیروزی برای جلوگیری از نزدیکی انقلاب ایران با پشتیبانان و دوستانش كوشش به عمل آورده اند، در راه گسترش مناسبات ایران با کشورهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی جبهه پایداری عرب یعنی الجزایر، سوریه، لیبی و جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی و حتی جنبش آزادیبخش فلسطین سنگ انداخته اند، و در عوض صمیمانه ترین مناسبات را با حكومت های مطلقاً وابسته به آمریکا مانند پاکستان و گروه های افغانی وابسته به آمریکا برقرار کرده اند.

زیرسایه چنین سیاستی است كه پاکستان به مركز شماره یک فعالیت توطئه گرانه "سیا" علیه انقلاب ایران درآمده است و سفارت پاکستان در ایران، به عنوان كارگزار مستقیم سیای آمریکا، مركز جمع آوری اطلاعات برای "سیا" و برقراری ارتباط میان مركز لاهور و عناصر و گروه های وابسته به آن در ایران گردیده است.

هموار نمودن راه سازش با امپریالیسم آمریکا و دشمنی آشكار با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی و سنگ اندازی در راه گسترش مناسبات با کشورهای و جنبش های ضد امپریالیستی، سمگیری عمده سیاست خارجی "لیبرال ها" را كه وزارت خارجه ایران را از پیروزی انقلاب تا كنون قیضه کرده اند و هنوز هم در دست دارند، تشكيل می دهد.

خوشبختانه جنبش كمونیستی جهانی و کشورهای سوسیالیستی كه تجربه بیش از شصت سال مبارزه با ترفندهای امپریالیسم را پشت سر دارند در این دام های ناشیانه نمی افتند. هر قدر قطب زاده ها علیه کشورهای سوسیالیستی تحریك كنند، هر اندازه بزدی ها زور و تلاش به كار برند كه برای كودتای آمریکایی در تركیه كه هدف عمده اش تدارك حمله نظامی آمریکا علیه انقلاب ایران و تحکیم مواضع آن علیه اتحاد شوروی است و به همین مناسبت "ضیاء الحق" اولین تریك كوینده به آن است، بطور خنده آوری موافقت شوروی را "جاسازی" نمایند، هر قدر ركنی های خود فروخته كوشش كنند با "احتمالات" خود فروخته های دیگری مانند خودش ابهاماتی در همان جهت بوجود آورند، ما اطمینان داریم كه در مناسبات دوستانه و پشتیبانی همه جانبه و بی دریغ و بی هیچگونه چشمداشتی کشورهای سوسیالیستی نسبت به انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران تا روزی كه این انقلاب در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی كونی اش، یعنی در خط امام خمینی كام برمی خورد، تغییری پیدا نخواهد شد و روسیاهی برای همه پیاده كنندگان خط برژینسکی، برای همه "مخترعین" سازش دو ابر قدرت "باقی خواهد ماند. بگذار، تاریخ قضاوت كند كه آیا ارزیابی ما درست است و یا احكام صادره از طرف "مظرفقائی" های كونی.

تأسف عمیق، در این است كه بر اثر سی سال تبلیغات شوم رژیم آریامهری وابسته به امپریالیسم و ادامه وابستگی تمام سیستم خبری جمهوری اسلامی به رسانه های گروهی غرب یعنی وابستگی به همان منابع دوران آریامهری و بی اطلاعی مطلق از واقعیات جهان معاصر و تحولات بنیادی كه در ۶ سال اخیر و بویژه در دوران پس از جنك جهانی دوم رخ داده است، بسیاری از عناصر انقلابی شرافتمند و صادق در این دام گسترده شده به وسیله امپریالیسم می افتند و قدرت بیرون آمدن از آن را ندارند.

آیا رویدادهای چندماه گذشته، دو كودتای نافرجام آمریکایی در اردیبهشت ماه و تیرماه، اعترافات مزدوران كودتاچی، حوادث غرب كنور، كودتای آمریکایی در تركیه، روشن شدن

ی اسلامی ایران، نه در ماه های تدارك مقدمات نهادها بوجود آمدند، متأسفانه نه تنها نقشه انقلاب در زمینه های ۸ گانه یاد شده تنظیم دهایی هستند كه خواسته ویا ناخواسته آشكارا می ریزد،

ی مقابله با دشمنان روزافزون دشمنان انقلاب كه می كنند، یعنی در جهت تقویت اتحاد عمل ما شاهد این پدیده، دردناك هستیم كه دشمنان ضد انقلاب موفق شده اند كه نه تنها میان مبارزان با جان و دل از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی سنی، میان توده های مسلمانان مبارز شیعه، میان جمهور، میان دولت و رئیس جمهور، میان بی- کوتاه سخن میان همه بخش های نیروهای ان يك نمونه:

ده ایران درست در زمانی ترتیب داده می شود كه كودتایی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب برای شایسته ای در كشف و خنثی ساختن این توطئه توطئه كودتا و بقایای سازمان كودتاگران روشن عمده و تعیین كننده در كار هجوم به دفاع تر حزب امپریالیست ها و ضد انقلاب تعلق دارد و گروه با تمام شده باز چچه، يك توطئه جنایت آمیز ضد ، علی رغم اكیدترین تذکرات محكوم كننده از نغمه تهران و بسیاری از دیگر رهبران جمهوری ب در این كار فعالانه شركت دارد؟ ی اسلامی هنوز به ابعاد این توطئه خطرناك ج توجه ندارند.

اد. علاقتند به سرنوشت انقلاب حكم می كنند كه ما باشد، نه در جهت دامن زدن و هر چه بیشتر

خول کشور و روزنامه های مهم سخنگوی نیروهای زمه های فاسد ضد انقلابی نظیر تهرانی و یارکنی ست ها افروخته اند، بهره گیری نمایند؟ جنایت آمیز خود وفادار مانده اند نقطه ضعف خت این نقطه ضعف می كوشند در آخرین لحظه محیط تفاهم میان نیروهای انقلاب را بازم می جرا مسئولان انقلاب این گونه ناآگاهانه در می افتند؟

بر كسانی كه در دستگاه تلویزیون توانستند د و آماده سازند، در همه ارگان های تبلیغاتی بی بودن "این سم پاشی و آتش فروزی را سازمان

تشدید تشنجات دشمنان انقلاب سیاست بیسم و ضد انقلاب با شناسایی دقیق به اوضاع بلات و موضع گیری های نادرست، هم در میان در حاکمیت خواهند كوشید از محرومیت های نای آتش فروزی و جنك داخلی بهره گیری كند. بریالیسم و ضد انقلاب با همکاری حكومت بعث م با بهره گیری از عدم آگاهی سیاسی و انقلابی به خون کشیده كرد موفقیت های جدی پیدا کرده بوجود آمده است.

ث عراق و ضد انقلاب برخورد نادرست و غیر بقا " موثر بوده است. به نظر ما اگر حاکمیت طور کلی به مسئله ملی در سراسر نقاط ایران طی تركمن نشین) با يك سیاست واقع بینانه بلاء ها، كش ها، دست بردارند و كودتا

مواظب فئودالها باشیم. خطرناکند

گرم‌اصلاحات ارضی هنوز باز نشده است. دهقانان چشم براهند و بی‌صبرانه در انتظار هیئت نفری ونتایج کار آن هستند. زمین‌داران بزرگ همه نیروهای خود را بسیج کرده‌اند و کف بربل، از منافع تولید خود دفاع می‌کنند و جمهوری اسلامی ایران و قوانین مصوب آن و انقلاب بزرگ ما را بهیچ‌یک نمی‌گیرند. ولی تا کی؟ تا کی می‌توان این گره را باز نشده نگه داشت؟ فراموش نکنیم که مسئله زمین در مرحله فعلی، یعنی مسئله اربین بردن کامل وی چون و چرا بزرگ مالکی و ظلم و ستم و غارت و فساد فئودالی و بورژوا-مالکی و زمیندار کردن کلیه دهقانان، یک مسئله حیاتی و اساسی انقلاب ماست، یکی از آشکارگرای جامعه نوینی است که باید بنیاد شود، یکی از معیارهای عمده و علی‌الریاست مهم پیروزی با شکست انقلاب پیوی ماست. اگر گره باز نشود و بزرگ مالکی، این بیاگامی-انقلاب و نظم طاغوتی و استثمار، از بین برده شود، راه تکامل جامعه باز خواهد شد. میلیون‌ها ایرانی زحمتکش به حق مسلم خود خواهند رسید و به مدافع جان-برگ انقلاب بدل خواهند شد. و گرنه این گره برگردن جامعه انقلابی ماتنگ خواهد افتاد و آنرا خفه خواهد کرد.

زمان آن است که این مسئله را به‌جای مسائل سیاسی انقلاب حل شود، ولی ملک‌دارها و خانها با اخراج بزرگان، با انتقال زحمتکش و سلب زمین، با فروش قطعات آن، با آتش زدن محصول و تخریب وسایل کار، جوی را زده به وجود می‌آورند، تهرگونه امیدی را در دل روستاییان زحمتکش ماکور کنند و آنها را نسبت به انقلاب و تصمیمات و برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران بدبین و مایوس سازند. همین چندی پیش در گرمانشاه هیئت نفری واگذاری، به مناسبت محاکمه چهارتن از فئودالهای بزرگ منطقه سنجایی، اطلاعاتی صادر نمود و در آن اعلام کرد که: بعضی از بزرگان مالکان می‌خواهند به اسم اسلام در مقابل اسلام بایستند و شایعه پراکنی میکنند تا مانع کار تقسیم زمین بین دهقانان شوند.

● هیئت‌های هفت نفری! دهقانان منتظر عمل قاطع شما نیستند!
● دولت‌یان! در برابر تشبثات وسیع بزرگ مالکان مسئولیتی حیاتی متوجه شماست!
● انقلابیون راستین! با تزویر روحانی نمایان طاغوت زده مقابله کنید!
● دهقانان! هشیارانه و فعال مبارزه کنید، با نهادهای انقلابی و هیئت‌های هفت نفری همکاری کنید، تا بساط اربایی برای همیشه ریشه کن شود!

مسئله بی‌حقوقه اداری و فنی، با جزئی و جنبی نیست. ما با مسئله عمده ای در جریان تکامل انقلاب، با مسئله‌ای حیاتی برای تکامل کشور روبرو هستیم، با مسئله‌ای فوری که نمیتوان آنرا برای ماه‌ها از پیروی انقلاب میگذرد- بتعویق انداخت و دهقانان را چشم انتظار باقی گذاشت.

مستضعفین و کوچکواران با برهنه‌ها همچنان در زنجیر باشند. در این اطلاعیه همچنین آمده است که، این مالکان بزرگ دست به تحریک مردم و ایلات زده و دهقانان زحمتکش و رنج دیده در تهدید کرده‌اند که، اگر برفع این خوانین (چهار فئودال جنبی کارگزاران) شهادت دهند، به مرگ محکوم خواهند شد. هیئت مزبور در اطلاعیه خود اعلام کرده است: "ما به اسلام، زمین مال کسی است که روزی آن کار میکند"، "توجه داریم و از هیچ‌گونه تهدید و ارعاب هراسی به دل راه نمی‌دهیم".

دهقانان تیمیدست، یعنی کلیه بی‌زمین‌ها و زمین‌ها، یعنی میلیون‌ها مستضعف کوخ نشین مصراغه خواستار واگذاری زمین هستند. نیروهای انقلابی راستین با درک اهمیت و حساسیت مطلب، ضرورت رساندن حق به‌حق‌دار زمین به دهقان را مصراغه و موکدا گوشزد میکنند. در راه همه، این فریاد عام خطی است که میگوید: باید به حکومت طلعت ۲۵۰ ساله فئودالیان داد و اربابان مزدور آنها و استضعفان باشد، زیرا که تاکنون "هر چه بوده برای ملک‌دارها و قدرت‌دارها و سرمایه‌دارها و روسا بوده".

در این روزهای اخیر مقامات مسئول در استان کهگیلویه و بویراحمد، طی اطلاعاتی، به فئودالها، که دست به شایعه‌پراکنی می‌زنند، اخطار کرده‌اند که مسئولان نتوانند خواست کارزندان و انتقال زمین‌ها خودداری کنند و از کشاورزان نیز خواسته شد که فریب شایعه‌سازی را نخورند. مقامات مسئول در استان چهارمحال بختیاری، نیز طی اطلاعیه خود گفته‌اند:

دهقانان عزیز!

دست جنایتکار و تجاوزگر آمریکا! این بار از استین نظامی رژیم بعثی عراق علیه میهن ما، علیه انقلاب بزرگ ما، چیزی نیست جز بخشی از تومنه‌های شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا. بگفته امام خمینی، رهبر انقلاب: «ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلت دست آمریکا تجاوز کرده است به ایران» وظیفه همه ماست که از انقلاب، از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم. باید متحد و آماده باشیم تا آمریکا و رژیم بعثی عراق هیچ غلطی نتوانند بکنند. دهقانان زحمتکش!

برای مبارزه علیه تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق و برای مقابله با تومنه آمریکای خونخوار، آبادی خود را برای دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران به نهادهای انقلابی اعلام کنید! خرسندی و تمانت انقلابی خود را حفظ کنید! به شایعات دشمن باور نکنید! با شور انقلابی همیشه آماده باشید!

با پاسداران نجل تماس بگیرید و هر فرمانی که سپاه پاسداران برای دفاع از انقلاب و میهن انقلابی میدهند، اجرا کنید!

شما بخش اعظم ارتش بیست میلیونی را تشکیل می‌دهید. در هه‌جا، در «بسیج مستضعفین» شرکت کنید و فعالانه دستورها و راهنمایی‌های بسیج را عملی سازید!

عوامل ضدانقلاب و تفرقه‌افکن را در هر جا که هستند، شناسایی کنید و به نهادهای انقلابی اطلاع دهید!

از خدمت‌هایی که هنوز جمع‌آوری نشده، یا هنوز در انبارهای ده مانده، مراقبت کنید! از دانشها مواظبت کنید! برای چشمه‌ها و منابع آب و چاهها مامور بگذارید، تا ضدانقلاب به خرسنها و منابع آب آشامیدنی شما خسارتی وارد نکند.

مواظب تحرکات و تومنه‌های اربابان و خوانین باشید. نقشه‌های آنها را فاش کنید!

دهقانان ایران! در این لحظات حساس، همه جانبه و با اتحاد و هشیاری از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنید!

مسائل روستای حاج‌قره گرگان

در ۱۸ کیلومتری جاده گرگان-آق‌قلا (بهلوی-دژ سابق) جاده‌ای به طول ۳ کیلومتر، که حدود یکسال پیش شن‌ریزی گردید، به روستای حاج‌قره می‌رود. در این روستا ترکمن نشین، ۵۰ پنجاه خانوار جمعیت، که در پیچ سیزده نفرند، زندگی می‌کنند. از محصولات عمده این روستا گندم و پنبه است و ضمناً قالی‌بافی نیز از صنایع دستی اهالی این روستاست. کوچه و خیابان‌های روستا خاک-آلود است و هنوز شن‌ریزی نشده‌اند. در دوران طاغوت در این روستا، مدرسه‌ای که روستاداران در آن تحصیل کنند، وجود نداشت و به ناچار آنها با بیسواد می‌ماندند (که اینک درصد زیادی از روستاییان بی‌سوادند) و با سه روستای مجاور، که آنهم یک دبستان پنج‌کلاس به‌شتر ندارند، می‌رفتند. اخیراً به‌همت جهادسازندگی و خود-باری اهالی (حدود چهل هزار تومان مخارج تأسیس مدرسه راز روستاییان پرداختند) مدرسه پنج‌کلاسه‌ای در روستا تأسیس گردید.

نهنجا در حاج‌قره، بلکه در روستاهای مجاور نیز یک واحد سیار بهداشتی برای مداوای بیماران وجود ندارد. نزدیک‌ترین بیمارستان برای آنها گرگان است. یکی از اهالی می‌گفت: "خوب است حداقل در بین این چند روستا یک واحد سیار بهداشتی متمرکز گردد".

با آن‌که این روستا نسبت به روستاهای مجاور به‌شتر نزدیک‌تر است، هنوز برق ندارد، اخیراً

تیرهای برق را کاشته‌اند، ولی هنوز به روستاییان برق نداده‌اند.

در این روستا و روستاهای مجاور آن حمام وجود ندارد و اهالی برای استحمام باید به آق‌قلا (بهلوی دژ سابق) بروند، که از روستا حدود ۱۰ کیلومتر فاصله دارد، بروند.

روستاییان از آب آشامیدنی بهداشتی نیز استفاده نمی‌کنند، بلکه نیم تا مین آب آنها چاهی است که در دو کیلومتری روستا قرار دارد. این چاه حفاظی برای مانع از ورود میکروب و سایر عوامل خارجی ندارد. تاکنون نیز آب‌رسانی بهداشتی به این روستا صورت نگرفته است. در اثر عدم لایروبی رودخانه فرسو، که از کنار روستای گذر، کم‌کم بستر رودخانه روستا هم سطح گردیده و به‌هنگام زمستان و طغیان، خانه‌های روستا را دربر می‌گیرد.

حاجی‌قره از جمله روستاهایی است که مالکین بزرگ در دوران طاغوت بیشتر ارضی آن را دربر خود داشتند. این مالکان که عموماً بازرگانان و یا در تهران به سر می‌برد، آخراً سر آمدند و دست‌ساز روستاییان زحمتکش را می‌بردند. حدود دوپست هکتار از ارضی این روستا به مالکین بزرگ تعلق دارد و در عوض از پنجاه خانوار این روستا، حدود بیست خانوار، زمین‌شان هرکدام در حدود پنج هکتار است، که می‌توان آنها را از جمله دهقانان کم‌زمین دانست. بقیه (سی خانوار) نیز که، عموماً "خوانان" روستا را تشکیل می‌دهند، بی‌زمینند.

قالی‌بافی منبع درآمد مهم روستاییان حاجی‌قره است. یکی از اهالی می‌گفت: "اگر قالی‌بافی نبود، وضع ما از این هم خراب‌تر بود." البته قالی‌بافی، با آنکه کاری مشقت‌بار است و چشم‌بافتگان قالی‌های زیبا در تارکخانه‌ها کم‌کم نور خود را از دست می‌دهد، درآمد چندانی ندارد. فی‌المثل یک تخته‌قالی ۳×۲، که حدود پنج هزار تومان به فروش می‌رود، یا نقد تومان هزینه مواد اولیه دارد و برای بافتن آن نیز ۳ کارگر باید در بیست‌شان روز، روزانه شانزده ساعت کار کنند، تا قالی بافته‌شود، که بایک حساب سرانگشتی متوجه می‌شویم که این کارگران درقبال هرهشت ساعت کار، حدود ۳۷ تومان مزد می‌گیرند. بنابراین، چنانکه دیده می‌شود، این کارگران حتی مزد معمول یک کارگر را دریافت نمی‌دارند.

در حاجی‌قره، اخیراً شورای تشکیل گردید، که نفر در آن عضویت دارند. این شورا هنوز اختیارات قانونی ندارد.

به‌منظر ما، اعضای شورا باید هر چه زودتر با مقامات بخش شهرستان تماس بگیرند و شورا منتخب اهالی را صاحب اختیارات قانونی، که در

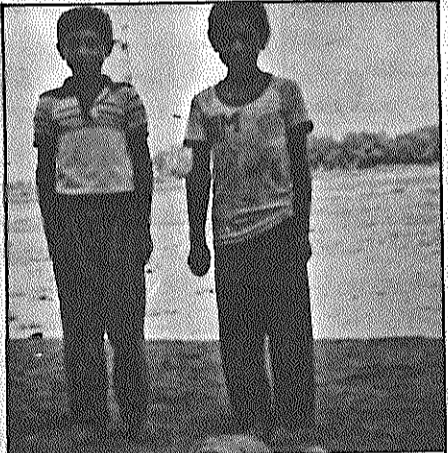
"اخیراً مشاهده گردیده که بعضی افراد اقدام به اخراج رزاع یا بزرگ خود از روی زمین نموده‌اند. لذا تا پیاده‌شدن قانون واگذاری و احیاء ارضی کسی حق دست‌زدن به چنین عمل خلاف قانون را نخواهد داشت". این سه‌نمونه، از سه استان حساس کشور ماست، که ضدانقلاب شدت در صدد زمینه‌سازی فعالیت‌های خود در آنجا است. نمونه‌ها بسیار زیادند و کدام استان ایران است که، در این لحظات سرنوشت‌ساز، حساس نباشد؟ و کدام منطقه است که در آن بزرگ مالکان غارتگر و عمال مزور و مقدس‌نما یازورگو و چماق بدست آن، فعال نباشند؟

در این رویارویی سرنوشت‌ساز بین میلیون‌ها دهقان و مشتی ملک‌داروخان، بین خطا مام، که دفاع از مستضعفین است و خط مستقیم ضدانقلابی و وظیفه ای بسیار سنگین و حیاتی متوجه دولت جدید و مجلس شورای اسلامی، متوجه قوای سه‌گانه کشور و نهادهای انقلابی است. با همه قوا و هر چه زودتر و قاطع‌تر باید سرختم غارتگر و مستکبر، این راه رفت رنگ را، که رهبری امپریالیستی دارد و دمی ضدانقلابی، در هم کوبید. با همه قوا هر چه سریعتر و کامل‌تر باید بساط بزرگ مالکی و قدرت این قدرهارا، که کانون تشنج ضدانقلابی و ستم و فساد می‌آفرینند، برجید. با همه قوا، فورا و از ریشه، با دستجات چماق‌دار اربابان و خوانین، که خونهای می‌ریزند و وحشت‌هایی آفرینند، و با گروه روحانی‌نمایان، که سراپای وجود و تفکرشان طاغوت زده‌وار با زده است و خرغه آلوده‌شسان مسووح اتش، باید مقابله کرد.

با این بلنگ تیززدندان از طریق مروت و رحم، نصیحت و بندنمیتوان روبرو شد. یا با میلیون‌ها دهقان و انقلاب مارا زهم خواهد درید، با ما این نطفه فساد و استعمار و جرمه‌های تباہی و ظلم رانان بود خواهیم کرد. راه دیگری وجود ندارد. هر قدر دیر کنیم-هم اکنون از نحوست "بزدی" ها ۱۹ ماهه پیر شده است-بسیار انقلاب، به میلیون‌ها مستضعف، به موجودیت جمهوری اسلامی ایران، به سازندگی آینده آن‌زبان رسانده‌ام.

دهقانان چشم براهند. کشت پاییزی فرا می‌رسد. وقت تنگ است. مسئله فوری، حیاتی و عمده است. دشمنان انقلاب و بهره‌کشان ستمگر سخت فعال‌اند، سخت خطرناکند.

سکاداران حکومت از مداران جمهوری اسلامی! مسئولان امور معنیه و اجرائیه! متوجه اهمیت موضوع حساسیت مسئله باشید. مسئولیت شما در این امر-حیاتی مسئولیتی بزرگ است. مستضعف‌ترین مستضعفین کشور ما، یعنی میلیون‌ها دهقان چهارگوشه ایران منتظر اقدام هر چه زودتر و قاطعانه هیئت‌های نفری هستند. هر گونه ممانعی، به‌برنام و پنهان و شکلی، از سر راه کار این هیئت‌ها باید برداشته شود. تا بهیست و با مشارکت خود دهقانان و با کمک فعال نهادهای انقلابی و عناصر متعدد سپاه و جهاد ریشه بزرگ مالکی، تمام و کمال، کنده شود و کلیه زمینها به دهقانان، به کسانی که کار میکنند واگذار شود. تا انقلاب ما مستحکم و شکوفان، اقتصاد کشاورزی ما بر رونق و سالم وزندگی دهقانان ما بهتر و انسانی گردد.



پای برهنه، پیاده، کودکان روستای حاجی‌قره (گرگان) ده کیلومتر را باید طی کنند تا به مدرسه برسند.

نظام شورای تدوین شده، بنمایند و امکانات بودجه‌های مربوطه را در دست بگیرند. هم چنین بیست خانوار کم‌زمین وسی‌خانوار بی‌زمین باید نمایندگان خود را انتخاب کنند و با کمک جهادسازندگی و سایر نهادهای انقلابی، این نمایندگان را به هیئت نفری بفرستند، تا مسئله واگذاری زمین را هر چه زودتر و به درستی حل کنند و بسر اجرای قانون اصلاحات ارضی نظارت کنند.

برای آنکه شورای ده اختیارات و حقوق قانونی خود را به‌دست آورد و منشاء خدمت بشود، برای آن‌که نمایندگان دهقانان تهیه دست در هیئت نفری عضویت پیدا کنند و بساط بزرگ مالکی برجده شود، برای آنکه مسائل مربوط به عمران ده و احتیاجات قالی‌بافان رفع و واسطه‌ها طرد گردند، خلاصه برای آن‌که صدای دهقانان یکی شود و گره از مشکلات بازگردد، باید اتحادیه دهقانی تشکیل شود، تا نیروی متحد دهقانان، با بهره‌گیری از کمک‌نهادهای انقلابی بتوانند این مسائل را حل کنند.

از کلیه رزقا و پوستان گزارگت روستاها درخواست می‌کنیم:

★ به‌منگام ارسال گزارشهای مصور دهقانی، حتما نام روستا، بخش، شهرستان و نام استان در پشت مکسها قید شود.

★ ضمناً در هنگام ارسال مکس، حتما فیلمها را هم ضمیمه گزارش ارسال دارید.

★ نام روستا و نام اشخاص را خوانا و با حروف جدا از هم (تقریباً) ت ق ق آ پ (د) بنویسید.

★ سخنان دهقانان را عیناً و همانطور که خود آنها می‌گویند، نقل کنید.



روستاییان حاجی‌قره از این تتور برای پخت نان استفاده می‌کنند

بازار مشترک اروپا: افزایش مخارج نظامی، کاهش مخارج رفاهی

زمامداران بازار مشترک اروپا، در همان حال که مخارج نظامی را افزایش می‌دهند، مصارف اجتماعی را روز بروز کاهش می‌دهند. وزیران دارایی کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، در اجلاس اخیر خود در بروکسل، برنامه‌های کاهش مخارج رفاهی را در سال ۱۹۸۱ تصویب کرده‌اند. در این مورد، بویژه بودجه مبارزه با بیکاری کاهش خواهد یافت. هم‌اکنون حدود شش میلیون و هشتصد هزار نفر در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، بیکار هستند. اقدام اخیر بازار مشترک در کاهش مخارج رفاهی، موجب ازدیاد ارتش بیکاران خواهد شد.

آلمان فدرال مظهر

«سرکوب حقوق بشر، است»

روزنامه‌های ترقیخواه در آلمان فدرال، تبلیغات بی‌شماره رسانه‌های گروهی وابسته به انحصارات این کشور را علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه لهستان افشاء کردند. آنها همچنین تبلیغات پوچ این رسانه‌های امپریالیستی را که گویا آلمان فدرال مظهر حقوق بشر است، رسوا کردند. این روزنامه‌ها تاکید می‌کنند که آلمان فدرال مظهر سرکوب حقوق بشر است.

هم‌اکنون حدود هشتصد هزار نفر از کارگران آلمان فدرال بیکار هستند و بدین ترتیب از حق کار، که ابتدایی‌ترین حقوق است، محروم‌اند. به‌نوشته این روزنامه‌ها، چهار هزار نفر برخلاف نص صریح قانون اساسی و برطبق قانون «منع شغل»، بخاطر عقاید خود از کار برکنار شده‌اند و دو میلیون نفر نیز مورد آزمایش «قابلیت سیاسی» قرار گرفته‌اند.

اعتصاب و اعتراض روزنامه‌نگاران پرتغال به جوسانسور حاکم بر رسانه‌های گروهی این کشور

روزنامه‌نگاران پرتغال یک اعتصاب دوازده روزه را بعنوان اعتراض به سانسوری که دولت دست‌راستی این کشور، برخلاف موازین قانون اساسی، بر رادیو تلویزیون برقرار کرده، اعلام کردند.

روزنامه‌نگاران پرتغال اعتقاد دارند که دولت دست‌راستی این کشور برای پیروزی در انتخابات دست به سانسور شدید در رادیو-تلویزیون زده و آزادیهای اساسی را در این مورد زیر پا گذاشته‌است. این روزنامه‌نگاران همچنین خواستار برکناری آن عده از مقام‌های رسانه‌های گروهی شدند که گروهی از خبرنگاران را بخاطر عقاید آنها اخراج کرده‌اند.

کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای انقلابی در زمینه تربیت کادرهای متخصص

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای انقلابی و جوان، برای تربیت کادرهای متخصص یاری می‌رسانند. یک گروه بزرگ از جوانان نیکاراگوئه برای آموزش در رشته‌های مختلف عازم شوروی شده‌اند. این عده در آموزشگاه‌های مختلف شوروی تحصیل خواهند کرد. در ماه مارس گذشته، در جریان دیدار یک هیئت از دولت انقلابی نیکاراگوئه از اتحاد شوروی، موافقت‌نامه همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی دو کشور امضاء شد. اخیراً نیز یک هیئت آموزشی شوروی مدت دو هفته از نیکاراگوئه دیدن کرد و نیازمندیهای این کشور را مورد بررسی قرار داد. این هیئت امکانات کمک اتحاد شوروی به تربیت کادرهای متخصص را با مقام‌های نیکاراگوئه مطرح کرد.

حمله مجدد نیروهای متجاوز اسرائیل به جنوب لبنان

نیروهای متجاوز اسرائیل و دست‌نشاندهگان دست‌راستی در جنوب لبنان برای دومین بار یبایی شهر حور در جنوب لبنان و بویژه اردوگاه‌های فلسطینی‌ها را زیر آتش قرار دادند. بنا بر گزارش مطبوعات بیروت، در این حملات تاکنون صدو بیست خانه ویران شده و نیروگاه‌های برق‌شهر از کار افتاده است. همچنین کمبود آب آشامیدنی در شهر بچشم‌میخورد.

اعلامیه کانون دانش آموزان ایران: در مقابل تجاوزات رژیم بعثی عراق توپخانه‌های امریکا با خیزید!

هم‌اکنون صدانقلاب قصد دارد تا با دروغ و شایعه‌پراکنی و اختکار مایحتاج مردم و ایجاد صدهای طویل در جلوی مغازه‌ها، روحیه مردم‌پهرمان و انقلابی ما را تضعیف نماید. لذا شما موظفید تا با حضور خود در میان مردم، بخصوص اهالی محل و همچنین خانواده و آشنایان خود، با اینگونه شایعات قاطعانه مبارزه و عناصر ضد انقلابی را افشاء کنید.

یکوشیم در همه جا سربازان راستین انقلاب باشیم! مرگ برامپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده بعثی عراق!

پیروزبازاد انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام‌خیمینا! مستحکم‌تر باد پیوند جنبش‌دانش-آموزی با جنبش ضدامپریالیستی مردم ایران به رهبری امام‌خیمینا! کانون دانش‌آموزان ایران ۱۳۵۹٫۷٫۲۲

مدارس افشاش کنید و یا شایعه‌سازی کنید، معلوم می‌شود که شما عمال آمریکا و همدست صدام‌حسین خبیث هستید»
در کنار آموزش‌جدی و بیکیفر-دروس، با شرکت فعال در مراکز بسیج مستضعفین و آموزش نظامی، خود را برای مقابله با دشمنان انقلاب آماده و مجرب گردانید.

در این میان مسئولین محترم آموزش و پرورش موظفند که با همکاری سپاه پاسداران کلاسهای آموزش نظامی در مدارس را تشکیل دهند، تا با شرکت همه دانش‌آموزان در این کلاسها، مدارس به کانونهای پرشور آموزش دروس علمی و فتنون رزمی تبدیل شوند.

نوشت‌ساز صدچندان می‌کنند، بکوشید تا نقشه صدانقلاب را، که قصد دارد در چنین شرایط حساسی در میان شما تفرقه و جدایی‌اندازد و با دامن‌زدن به اختلافات فرعی و غیره، شما را از وظیفه سترگ کونی دور سازد، با تمام قوا خنثی کنید.
کلاس‌های درس‌را همچون گذشته چون سنگر نبرد علیه دشمنان انقلاب باز نگاه دارید و به پیام مهم امام خمینی در روز اول مهر توجه‌داشته باشید که:
«در چنین وقتی که ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلت دست آمریکا به ایران تجاوز کرده است، شما اگر چنانچه برای بازشدن

دانش‌آموزان و نوجوانان مبارز! مردم قهرمان ایران! هم‌اکنون رژیم ضد مردمی بعثی عراق با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و متحدینش، مین انقلابی ما را مورد حملات گسترده و تجاوزات و حشیانه نظامی قرار داده است!

در چنین شرایط حساس و س-نوشت‌سازی است که وظیفه بس سنگین و پر مسئولیتی چون دفاع و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن بر دوش یکسایک هموطنان بخصوص جوانان و نوجوانان انقلابی و رزمنده ما قرار می‌گیرد.
دانش‌آموزان عزیز! فرزندان راستین انقلاب!

با صفوف متحد و یکپارچه، همچون تنی واحد و رزمنده، برای نبرد با تجاوزات رژیم بعثی عراق و توپخانه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدینش آماده شوید! اتحاد و همبستگی، توان و نیروی شما را در این نبرد دشوار و سر-



فشار آمریکا و چین برای حفظ کرسی پول پوت خون آشام در سازمان ملل متحد

کمیته اعتبارنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل تحت فشار شدید امپریالیسم آمریکا و داروسته مائوئیست‌های پکن توصیه کرد که باصلاح دولت کامپوچیا دمکراتیک (!) و یا به عبارت دیگر، باند خون‌آشام پول پوت - ینگ‌ساری، که دستشان به خون سه میلیون نفر از مردم کامپوچیا آغشته است، کرسی خود را در سازمان ملل متحد حفظ کند.

مخالف ترقیخواه در آسیای جنوب شرقی اعلام کرده‌اند که این تصمیم از یک سو نشان‌دهنده بده و بستان، آمریکا و چین است و از دیگر سو نشانگر آن است که چگونه سیاست باصلاح حقوق بشر کاری و دیگر نوکران انحصارات چندملیتی تا چه حد مقتض و بی‌آبرو شده است.

بگفته این مخالف، امپریالیسم آمریکا، با حمایت از دارو دسته پول پوت-ینگ‌ساری به سیاست‌های عظمت‌طلبانه چین در آسیای جنوب شرقی صحنه می‌گذارد.

از سوی دیگر، ادووند ماسکی، وزیر خارجه آمریکا، هفته گذشته اعلام کرد:

«آمریکا و چین از دولت کامپوچیا دمکراتیک (!) (یعنی جلادان سه میلیون انسان بیگانه از سازمان ملل حمایت می‌کنند، این سخنان بار دیگر جنجال و هیاهوی پوچی را که کارتر و شرکاء در پاره حقوق بشر، برآه انداخته بودند، افشاء می‌کند، زیرا جنایات داروسته پول پوت - ینگ‌ساری آنچنان تکان‌دهنده بود که حتی شخص کارتر در سال ۱۹۷۷ چندین بار به این مسئله اشاره کرده‌بود.

شورای انقلابی خلق کامپوچیا تنها نماینده قانونی کامپوچیاست

شورای انقلابی خلق کامپوچیا هرچه بیشتر از سوی کشورهای جهان و جنبش‌های آزادیبخش برسمیت شناخته می‌شود. در پی دیدار یک هیئت نمایندگی جنبه خلق برای آزادی فلسطین از کامپوچیا، این جنبه اعلامیه‌ای منتشر کرد. در این اعلامیه، جنبه خلق برای آزادی فلسطین اعلام کرد که شورای انقلابی خلق کامپوچیا، به‌ربری هنگ‌سامرین، تنها نماینده قانونی خلق کامپوچیا است و هرگونه تلاش بی‌شماره برای حفظ کرسی داروسته جنایتکار پول پوت-ینگ‌ساری در سازمان ملل متحد محکوم است.

حزب کمونیست کانادا سیاست‌های دنباله‌روانه دولت کانادا را از امپریالیسم آمریکا محکوم کرد

کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا در بیانیه‌ای سیاست مخالف حاکم این کشور رادرمورد دنباله‌روی از سیاست امپریالیسم آمریکا بر سر مسئله کامپوچیا محکوم کرد و خواستار برسمیت‌شناخته‌شدن شورای انقلابی خلق کامپوچیا به رهبری هنگ سامرین و حمایت این شورا در سازمان ملل متحد شد.

این بیانیه همچنین می‌افزاید: «سیاست کانادا کوتاه بینانه و خطرناک است. کانادا باید از دنباله‌روی از سیاست‌های امپریالیسم آمریکا خودداری کند.»

در جلسه علنی پنجشنبه گذشته مجلس شورای اسلامی گفته شد:

دولت امریکانمی تواند نقشه‌های شوم خود را عملی کند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، این طلایه‌داران حرکت بزرگ ضد استعماری ما، لانه جاسوسی آمریکا را فتح کردند و طشت رسوائی آمریکا سقوط کرد

هر دوستی، چه همسایه، چه غیر همسایه، بعنوان دوستی بطرف ما بیاید ما آن دست را می فشاریم

در جلسه علنی روز پنجشنبه ۳ مهرماه ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، ضمن دادن گزارشی در مورد حملات عراق به ایران، اعلام کرد که جنایتکاران بعث عراق حملات خود را روی مناطق غیر نظامی ایران متمرکز کرده‌اند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین افزود: «آنها در یروز در آبادان به مدارس حمله کردند و رئیس‌مدرسه‌را شهید کردند، با جمعی از دانش‌آموزان، اگر سر راه خود کارخانه‌ای بینند، موسسه اقتصادی و هر جا که احتمال تجمع بدهند، بینند، آنها را بمباران می‌کنند. آنها به یادگانهای نظامی از ترس نزدیک نمی‌شوند. دنیا بداند که رژیم عراق هیچیک از موازین بین‌المللی جنگ را رعایت نمی‌کند. علاوه بر اینکه اصل اقدامشان تجاوز بی‌دلیل است و با پرودنی ما را مسئول جنگ معرفی می‌کنند.»

رئیس مجلس آنگاه ضمن اشاره به شهادت وانضباط نیروهای ارتش، اظهار داشت:

«نظامی‌های ما می‌دانند که تا ممکن است به یک فرد عراقی بیگناه آسیبی وارد نشود»

رئیس مجلس آنگاه به هجوم مردم به سازمانهای بسیج و اعلام آمادگی آنها برای جنگ با عراق اشاره کرد و این هجوم را بی‌سابقه خواند. پس از سخنان رئیس مجلس، سخنان پیش از دستور نمایندگان شروع شد و در آغاز حسن هراتی، نماینده سبزوار، ضمن حمله شدید به صدام حسین، او را عروسک آمریکایی خواند. نماینده سبزوار افزود:

«ایران نمایشگاه تمامی حیل‌گری‌ها و دسیسه‌های آمریکاست. کدامین حیل و نیرنگ را در این سرزمین پیاده نکرده چه موقع آمریکا پوزاش به خاک مالیده شد و امت ما سرافراز و قهرمان بیرون آمده؟ چه موقع دماغ آمریکا تا مغز استخوان سوخت؟ از آن لحظه‌ای که دانش-جویان پیرو خط امام، این طلایه‌داران حرکت بزرگ ضد استعماری ما، لانه جاسوسی آمریکا را فتح کردند و طشت رسوائی آمریکا سقوط کرد. من پیشنهاد می‌کنم در این موقع که آمریکا با ما در نبرد است، ما پاسخ کوینده و دندان‌شکنی به آنها بدهیم و از این دانشجویان پیرو خط امام تجلیل کنیم و بعنوان دلورانی که جان برکت، دومین انقلاب و بلکه به گفته امام، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول را پدید آوردند، مجلس شورای اسلامی به آنها لقب قهرمانی اعطا کند و بزرگنامه سیاسی ملت به آنها تقدیم گردد، تا آمریکاییانند از کسانی که این حماسه را آفریدند، مجلس بطور کوینده و قاطع حمایت می‌کند.»

سپس آقای طیبی نماینده اسفراین، پشت تریبون قرار گرفت. او در قسمتی از سخنان خود گفت:

«من از پشت این تریبون به دنیا اعلام می‌کنم که ما را اینقدر متهم نسازند. ما با هیچیک از مردم دنیا سر جنگ نداریم و نداشتیم. هر دوستی، چه همسایه و چه غیر همسایه، بعنوان دوستی به طرف ما بیاید، ما آن دست را می فشاریم. و اگر این دست خیانت باشد، مسلماً آنرا اسلام تعیین کرده و ما مطابق با همان دستور عمل می‌کنیم. باید به دولت آمریکا گفت که سخت در اشتباه بوده و هست و هرگز نمی‌تواند نقشه‌های شوم خود را عملی کند. ما سی و پنج میلیون جمعیت داریم و یک رهبر قاطع، عالم و متکی به خدا، که همه مردم ما دنباله‌روی او هستند»

پس از سخنرانی نماینده اسفراین، یکی دیگر از سخنرانان پیش از دستور، در مورد جنگ ایران و عراق صحبت کرد. آنگاه طبق دستور کار مجلس، بررسی دوتن از وزرای پیشنهادی دولت مورد رسیدگی قرار گرفت. در این مورد، آقای رجائی نخست‌وزیر، به معرفی آقای مهندس موسی خیر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و آقای مهندس جواد تندگویان، وزیر نفت پرداخت.

پس از معرفی دو وزیر توسط آقای رجائی، چندتن از موافقان و مخالفان آنها سخن گفتند.

آنگاه مجلس تصویب دو وزیر را به‌رای گذاشت. در این رای-گیری، که با حضور ۱۸۲ نفر از نمایندگان مجلس صورت گرفت، آقای مهندس تندگویان از مجموع ۱۷۲ رای داده شده، با ۱۵۶ رای موافق، ۱۸ رای منتقد و ۳ رای مخالف و آقای مهندس خیر از مجموع ۱۷۶ رای، با ۱۶۲ رای موافق، ۱۲ رای منتقد و ۲ رای مخالف، رای اعتماد گرفتند. در این جلسه چند تن از نمایندگان از آقای رجائی نخست‌وزیر خواستند که در مورد اوضاع جنگ ایران و عراق توضیحاتی بدهد، که در جواب آنها آقای رجائی گفت: باتشرافتی که وجود دارد، بهتر است که گزارش جنگ ایران و عراق در یک جلسه غیر علنی و پس از بازگشت آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور صورت گیرد.

پس از آن، طرح دوفوریتی در مورد کس مالیات حقوقی نیروهای مسلح کشور مورد رسیدگی قرار گرفت، که پس از بحث پیرامون آن، به علت عدم پیش‌بینی محل تامین این بودجه در طرح، رسیدگی آن به جلسات آینده موکول شد. جلسه پنجشنبه مجلس در ساعت ۱۱:۴۵ دقیقه خاتمه یافت.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

مردم ایران اقدام خصمانه ...

ایران به شدیدترین وجه پسانخ داده شود.

باید دانست که امپریالیسم انگلیس، بهنگام تعیین حدود مرزهای آبی بین ایران و عراق در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) با استفاده از تسلطی که بر رژیم های دست نشانده رضاخان در ایران و فیصل در عراق داشت، قرارداد یکجانبه ای را به ایران تحمیل کرد. باینکه عرف و مقالات و معاهدات بین المللی بصراحت مقرر می داشت که رودخانه های مرزی، باید بطور متساوی مورد بهره برداری قرار گیرد و نقطه تعیین مرز آبی، عمیق ترین نقاط وسط رودخانه مرزی باید باشد و امر اداره رودخانه را طریق بطور مشترک و متساوی الحقوق باید عهده دار شوند، ولی هیچیک از این مقررات در معاهده بین ایران و عراق مورد توجه قرار نگرفت. سیاست امپریالیسم انگلیس بر اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» مستقر بود. از همین جا با دادن امتیازات غیر مجاز به جانب عراق، امپریالیسم انگلیس عملاً زمینه درگیری و اختلاف دو کشور همسایه را پایه گذاری کرد.

طی ۳۸ سال تمام، قرارداد تحمیلی انگلیس به ایران و عراق موجب تشکک بین این دو کشور را فراهم می ساخت و روابط دو همسایه هم کیش راتا حدی خوردهای نظامی حاد می کرد. افکار عمومی مردم ایران و مردم عراق همچنین مخالفین المللی علاقمند به حفظ صلح و همزیستی بین دول، همیشه خواستار حل صحیح و متساوی الحقوق روابط دو کشور بودند. بالاخره هنگامیکه روابط عراق و ایران بر سر استفاده از آبهای مرزی حدت و شدت خاصی پیدا کرده بود، با میانجی گیری دولت الجزایر، قرارداد ۱۹۷۵ تبیین و تنظیم گردید، که مورد موافقت دولین وقت ایران و عراق قرار گرفت. این قرارداد از سال ۱۹۷۵ به اجرا گذاشته شده و می توان گفت که در عمل نیز سحت خود را، در اینکه آبهای مرزی باید با رعایت کامل تساوی الحقوق طرفین مورد استفاده قرار گیرد، ثابت کرده است.

اکنون قرارداد ۱۹۷۵ سال پنجمی است که به اجرا درمی آید، و در این مدت، دولت عراق نیز با موافقت اولیه و عدم اعتراض در سالهای بعدی، قانونی بودن

قرارداد را تأیید کرده و آن را برسمیت شناخته است. بعلاوه، می توان گفت که قرارداد ۱۹۷۵ عملاً ارزش و اعتبار معاهده و رعایت آن از نظر حفظ صلح بین دو کشور و در منطقه و جهان نیز ضروری است. سازمان ملل متحد بر همین مبنا برقرار داد مسج گذاشته، که به هیچیک از طرفین اجازه نمی دهد که قرارداد مزبور آن را زیر پا بگذارند.

با این توضیحات کاملاروشن می شود که اقدام رژیم بعثی عراق به لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ از پایه اقدامی خصمانه، تجاوزی و غیرقانونی است.

این اقدام آشکارا خصمانه است، زیرا درست بقصد تحریک و دامن زدن به درگیریهای غرب ایران، به منظور حمایت از عوامل ضدانقلاب که در عراق لانه کرده اند، اتخاذ شده است.

اقدام رژیم بعثی عراق در لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ عملاً است تجاوزی، که تنها در حالات تجاوز می شود که یک کشور قصد تجاوز علنی به خاک و استقلال و تمامیت ارضی کشور دیگر داشته باشد. تجاوزات هوایی، دریایی و زمینی، که بلافاصله پس از اعلام یکجانبه لغو قرارداد از جانب رژیم بعثی عراق انجام گرفته و هم اکنون ادامه دارد، دلیل روشن آنست که رژیم بعثی عراق بقصد تجاوز آشکار به خاک ایران به لغو قرارداد ۱۹۷۵ مبادرت جسته است.

لغو یکجانبه قرارداد مرزی دو کشور از جانب رژیم بعثی عراق تخطی آشکار از رعایت موازین و حقوق بین المللی است، زیرا قرارداد ۱۹۷۵، چنانکه گفته شد، اعتبار بین المللی دارد و در سازمان ملل متحد، بعنوان وثیقه ای که روابط دو کشور همسایه بر آن مبتنی است، تأیید جهانی پیدا کرده است.

علیرغم آنچه گفته شد، رژیم بعثی عراق به اقدام تجاوزی لغو قرارداد مرزی و در پی آن به جنگ راهزنانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران مبادرت ورزیده است.

پاسخی که از جانب نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در هوا، زمین و دریا به تجاوزات بیشرانه رژیم بعثی عراق داده می شود، مورد تأیید و پشتیبانی همه مردم ایران، از جمله حزب توده ایران است. حزب توده ایران ضمن اینکه دفاع فعال از هروج از خاک ایران و پاسداری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در قبال هر متجاوزی تأیید می کند و خود فعالانه در این دفاع شرکت دارد، توجیه افکار عمومی جهان را به نقض مقررات و مقاله های بین المللی از جانب دولت تجاوزگر بعثی عراق جلب می کند.

اقدام رژیم بعثی عراق در نقض یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵، عملاً خلاف قراردادهای جاری بین دو کشور همسایه و نقض مقررات بین المللی است. این اقدام تحریک آشکار بزبان صلح در منطقه و جهان است. از این رو مسئولیت کلیه عواقبی که بر اقدام خصمانه رژیم بعثی عراق و تجاوزات نظامی آن به خاک ایران مرتب است، به عهده رژیم بعثی عراق است، که در اجرای توطئه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، علناً در جنگ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پیشقدم شده است.

حزب توده ایران اقدام خود - سرانه رژیم بعثی عراق را در لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ و تجاوزات وسیع نظامی روزهای اخیر آن شدیداً محکوم می کند. رژیم بعثی عراق باید بدانند که جمهوری

باید افکار ...

مردم ایران مقام شایسته ای در جنبشهای آزادیبخش ضد - امپریالیستی کسب کرده، برای جلب همبستگی و پشتیبانی کشورهای غیر متعبد، بویژه آن کشورهایی که سیاست مستقل ملی و ضد امپریالیستی مشخصی دارند، تجاوزی از این سازمان استفاده کند، جنبش کشورهای غیر متعبد استحکام مبانی اتحاد و همبستگی میان کشورهای عضو این جنبش در برابر تجاوز و سیاست توطئه گرانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بنامه یکی از اصول پایه ای سیاست خود اعلام داشته و در اعلامیه ها و اسناد کنفرانسهای خود روی این مطلب تأکید کرده است. تجاوز نظامی جنایت آمیز رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، که حلقه ای از توطئه های گسترده امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است، در عین حال عملاً است که با منافع کشورهای مستقل ملی عضو جنبش کشورهای غیر متعبد در تضاد است و برفعه دشمن مشترک آنها، یعنی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به این واقعیت میباید به منظور محکوم کردن رژیم بعثی عراق و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی عراق، از جنبش کشورهای غیر متعبد کمک بگیرد. علاوه بر این، دولت جمهوری اسلامی ایران باید از تمام سازمانهای بین المللی برای محکوم ساختن تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق استفاده کند و با همکاری نیروهای مترقی و دموکراتیک، و دولتهای مستقل ضد امپریالیست در سراسر جهان جبهه عظیمی علیه تجاوز جنایتکارانه رژیم بعثی عراق بوجود آورد.

به این مناسبت، نمیتوان از کنفرانس کشورهای اسلامی یاد نکرد. ان کشورهای اسلامی و بویژه رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق، که برای تشکیل جلسات فوق العاده کنفرانس این کشورها برای بررسی رویدادهای افغانستان، آنهمه حرارت و ابتکار از خود نشان میدادند، امروز که رژیم بعثی عراق با تجاوز نظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران، راه پیاده کردن طرحهای توطئه امپریالیسم آمریکا بنظور براندازی نظام جمهوری اسلامی را هموار می سازد، مهرسکوت بر لب زده اند. اکنون برای شناخت ماهیت واقعی کشورهای اسلامی که خود را اسلامی می نامند، محک آزمایش جدیدی بپیمان آمده است. دعوت به تشکیل کنفرانس کشورهای اسلامی برای محکوم ساختن تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران، نظامی رژیم بعثی عراق به ایران، دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در میان کشورهای اسلامی، بیش از پیش آشکار خواهد ساخت.

بهر حال آنچه مسلم است اینست که، میباید از تمام وسائل و امکانات برای تجویز افکار عمومی جهان در محکوم ساختن تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد.

اسلامی ایران آن نیرو و توان را دارد که، توطئه های خصمانه صدام حسین خود فروخته و محافل تجاوز کار امپریالیستی حامی او را علیه خود خنثی کند. زمان داران بعثی عراق با خود سربیا و خرابکاریها و تجاوزات خود در روابط دو کشور همسایه بساد کاشته اند. آنها مسلماً جز توفان مرگ و نابودی برای رژیم جنایتکار خود درو نخواهند کرد. توطئه و تجاوز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدون مجازات نخواهد ماند.

روحیه عالی ...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکاست، متانت انقلابی و روحیه عالی مبارزه جوش با خصم تجاوزگر است، از دحام برای شرکت در بسیج و مراجعه جمعی و پرشور به سپاه پاسداران برای اجرای کلیه فرمانهای صادره است، همه جا فریاد خودجوش «مرگ بر صدام، مرگ بر آمریکا» است و آمادگی همگانی میلیونها چون تنی واحد و یاسر شانه روزی جوانان بی شمار که به فرمان انقلاب و برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران به حال «ماده یاش» درآمده اند.

مردم ایران در این لحظات حساسی که بر زمین آنها و بر سرنوشت انقلاب بزرگ آنها می رود، عملاً نشان میدهند که با روحیه ای انقلابی، مصمم اند بویژه تجاوزگر را بخاک بمانند. آنها در این لحظه تاریخی آماده فداکاری اند، تا سزوار تاریخ بر از مبارزه خلقهای ایران و شایسته مسئولیت خطیرشان در برابر تاریخ همه خلقهای منطقه گردند.

در این خیزش پر شور توده مردم عامل قاطع در تعیین سرنوشت خلقها و نگارش تاریخ است. و در این روحیه غرور آفرین و امیدبخشی که در هر جا دیده میشود، بویژه دو نکته جلب نظر میکند: اولین نکته حضور و مشارکت همه مردم انقلاب است. همه کسانی که با امپریالیسم آمریکا و توطئه های گوناگون آن مخالفند و خواستار دفاع از زمین انقلابی خود هستند، بسا درک حساسیت و اهمیت لحظه، صرف نظر از تعلقات مسلکی و وابستگی های

نزدیک و شروع کننده نشان دادیم... ما او را دعوت نکرده بودیم، اما حالا که آمد دیگر برگشتن ندارد. ملت مسلمان عراق از اینکه یک چنین حکومت خائن و فاسدی بر او مسلط است رنج می برد، ما خود را مؤلف میدانستیم که به این ملت محروم و به این برادر کمک کنیم. امروز روز آن کمک است. ما عراق را با نیروهایی که خواهیم گفت این نیروها کدام است در این منطقه مزدوران و خائنی را که هر کس حکومت عراق سوارند، آنها را در این منطقه دفن خواهیم کرد. ما این مبارزه طلب دیوانه را در اینجا به سزای خود خواهیم رسانید و یا در نیروی اول نیروی ایمان به خدا و نیروی دوم نیروی انسانی یک ملت بزرگ و استوار... آنها روی تانک حساب کردند، روی هواپیما حساب کردند، روی سرباز لباس پوشیده یادگانهای عراق حساب کردند، اماروی ملت حساب نکردند. چیزی که ما را بنا حکومتی طاغوتی متمایز می کند همینست. ملت ما چیزی دارد که صدام حسین ندارد. او ایمان و اشتراک همگانی ملت در میان مبارزه است. وقتی امام اشاره ای می کند که من تکلیف مردم را تعیین خواهم کرد، سبیل قافضا از سراسر اقطار کشور برای رفتن به جبهه جنگ می رسند... ما نیروها را به میدان خواهیم فرستاد. همه ملت آماده است. منتظریم امام اشاره ای بکند، همه خواهیم رفت، همه خواهیم جنگید... حجت الاسلام خامنه ای در قسمت دیگر سخنان خود خطاب به مردم مبارز ایران بیامون لزوم کسب آمادگی در مقابل تجاوزات نیروهای بعثی گفت: «تا وقتی امام اشاره فرمودند، آمادگی و به مضی اشاره، بسیج و حرکت و یایمردی و انشاءالله بی روزی». وی افزود: «تعلیقات امروز شبکه های صبیونستی جهانی علیه ما، دروغ بر آکن می کنند. من همینجا و با همین وسیله به همه خبرگزاران»

حجت الاسلام خامنه ای ...

های دروغ پرداز جهانی از جمله خبرگزاری فرانسه و سایر خبرگزاریها اظهار میکنند به آنها که با این شیوه هایی که پیش گرفته اند و تبلیغات دروغ را در سطح جهان می پراکنند باید بدانند که از ملت ایران برای خود دشمنان آشتی ناپذیر خواهند ساخت. و از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی مصر و جدا می خواهیم که نظراً جمع نماز گذار، پیام ما همه را به این خبرگزاریها ابلاغ کند. سعی کردند ایران را در یک جنگ روانی تضعیف کنند و شما برادران و خواهرانی که این سخن را میشنوید... برادران و خواهرانی که در رادیو تلویزیون و خبرگزاری پارس و مطبوعات کشور کار میکنید، همه موظف هستید که این جبهه تبلیغاتی را با سربلندی و بهترین وجه تقویت کنیم. باید پیامان را به دنیا برسانیم و باز در این زمینه هم وزارت امور خارجه نمایندگی های ما در دنیا چه می کنند، سفارتخانه های مادر کشور های غربی و کشورهای عربی و هم کشورهای اروپا و منطقه شرق آسیا چه میکنند، آیا پیام ما و انقلاب ما را با مردم دنیا در میان می گذارند؟ یا اگر می گذارند و دولتها با آنها همکاری نمی کنند، اینرا باید به ما بگویند. ما ملت ایران باید بدانیم کدام دولت با ما همکاری میکند و کدام دولت علیه ما کارشکنی میکند»

وی درباره وضع مایحتاج عمومی مردم گفت: «طبق تحقیقی که کرده ایمو اطلاعاتی که بدست آورده ایم تمام اوراق و مایحتاج اولیه ضروری ملت ایران که برای قوت مردم و معیشت روزمره مردم لازم است بعد کفایت در ایران است. کسری نداریم یعنی از امروز و تا مدتها اگر هیچ چیز هم برای ما از خارج

کردند و چنان در تدارکات دفاعی شریک و سبیم شدند، که خود مشت بس محکمی بود بر دهان تجاوزگران بعثی عراق. حملات هوایی بر کرمانشاه و سنندج و تبریز و غیره، در اندیشه پائل همقطاران صدام، از جمله این هدف را تقویت میکرد که، در میان کردها و آذربایجانی ها اغتشاش و شورش ایجاد کند و آنها را به مقابله با دولت جمهوری اسلامی ایران وادار. اما کلیه هموطنان ما، صرف نظر از ملیت خود، به دفاع از انقلاب خود، به دفاع از جمهوری اسلامی ایران، برخاستند. وحدت همه خلقها، در این لحظه های پر خطر از تاریخ کشور ما، وجه مشخصه یکی دیگری از علل مهم روحیه عالی توده مردم است.

همه ما از مسئولان جمهوری، یعنی آنها که بارسنکین تصمصیب گیریهای سرنوشت ساز بردوش آنهاست گرفته، تا یک یگانگی افراد مردم، که فداکاری و هشیاری و آمادگی آنها، اتحاد و عزم جزم آنها، نقش قاطع را ایفا خواهد کرد، وظیفه داریم که سخت بپوش باشیم. این روحیه عالی توده مردم برترین اسلحه ما در نبرد و مهمترین وسیله دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. وظیفه انقلابی همه ماست تا با سیاست درست و وحدت طلبانه، با تدابیر سنجیده، با هشیاری و مشارکت فعال خود، این روحیه پر شور و تاریخ ساز را هر چه بالاتر بریم و با اتحاد هم را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در نبردی که آمریکا، بدست بعثی های عراق، بر ما تحمیل کرده، دشمن را برانو درآوریم.

از این کشور نیاید، مردم ما گرسنه نخواهند ماند. فقط با یک شرط آن شرط این است که از این موجودی داخل کشور که بعضی در انبارها موجود است و بعضی در کارگاهها روز بروز تولید میشود، کسانی نخواهند برای خودشان سهم بیشتری بردارند و این اجناس را در خانه شان و یا انبارشان برای خود احتکار کنند»

وی افزود: «دینا بر این دو توصیه بزرگ به ملت ایران میکنم. توصیه اول این است که هر کسی فقط به قدر ما محتاج ضروری خود و خانواده اش از بازار تهیه کند و نه بیشتر...

... توصیه دوم اینست که به هیچ قیمتی نگذارید دستگامهای تولیدی بخوابد. دشمن مایل است احتکار کنید، غده های گرسنه بمانند. دشمن مایل است که کارخانه ها و دستگامهای تولیدی کار نکند تا آذوقه کم یار مردم به خاطر کمبود آذوقه مجبور شوند به دشمن پناه ببریم. البته او نمیداند ما اگر از گرسنگی هم بپیریم به دشمن پناه نخواهیم برد. پیام من به روستائیان عزیز در سراسر کشور که سالگندم تولید کرده اند اینست که همه موجودی گندمشان را به دولت بفروشند... اگر کسی به شما گفت به دولت بفروشید یقین کنید خائن است یا جاهل. به افراد غیر مسئول نفروشد چون ممکنست بخرند احتکار کنند، به دولت حتما و حتما بفروشید»

در این مراسم همچنین مردم قهرمان ما با شعارهای «بمباران هوایی دیگر اثر ندارد، تا مرگ صدام بیزد، این جنگ ما همه دارد» عزم و شور مبارزاتی خود را در مقابله با تجاوزگران بعثی نشان دادند و ثابت کردند که در نبرد با امپریالیسم آمریکا و مزدورانش ثابت قدم و مصمم هستند.

نامه مرموم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه «مردم»
هونز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 342
27 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکیائی) ضرورت انقلاب ایران است